

برساخت اجتماعی پدیده تجارت مرزی

ارائه یک نظریه زمینه‌ای در شهرستان مریوان

دکتر امید قادرزاده*

دکتر احمد محمدپور**

امید قادری***

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۵

چکیده

هدف این مطالعه، کاوش در برساخت اجتماعی پدیده تجارت مرزی و چگونگی تفسیر آن از دیدگاه مرزنشینان شهرستان مریوان است. داده‌های این مطالعه کیفی از طریق مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و اسناد و مدارک گردآوری شده و از روش نظریه زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. با کمک روش نمونه-گیری کیفی، نظری و هدفمند با ۲۲ نفر از مطلعین کلیدی مصاحبه شده تا اشباع نظری حاصل گردد، نهایتاً داده‌های گردآوری شده در قالب ۳۰ مفهوم، ۴ مقوله عمده و نهایتاً یک مقوله هسته کدگذاری و تحلیل شده‌اند. ۴ مقوله عمده عبارتند از: بستر اکولوژیک، تنگناهای اقتصادی، قرابت خویشاوندی و بین فرهنگی، سیاست‌های راهبردی واکنشی حکومتی. مقوله هسته نیز که دیگر مقولات کلی را شامل می‌شود مقوله "توسعه‌نیافتگی" است. نظریه زمینه‌ای حاصله نهایتاً در قالب مدلی پارادایمیک، شامل سه بُعد بسترها، تعاملات و پیامدها ارائه شده است. بر مبنای نتایج این تحقیق، پدیده تجارت مرزی برساختی اجتماعی است و به مثابه امری تاریخی و بسترمند، نتیجه واکنش‌ها و تعاملات مردمان منطقه به فرصت‌ها و محدودیت‌های وضعیت‌های جغرافیایی، معیشتی و اقتصادی، فامیلی - فرهنگی و سیاسی است. به عبارت دیگر، بازسازی معنایی خوانش مرزنشینان از چگونگی برساخت پدیده تجارت مرزی نشان دهنده آن است که آن‌ها پدیده تجارت مرزی را به مثابه واکنش و راهبرد گریز ناپذیر به شرایط توسعه‌نیافته منطقه در ابعاد گوناگون و وضعیت خویشاوندی و قرابت‌های بین فرهنگی حاکم بر منطقه درک و تفسیر کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تجارت مرزی، ناتوسعه یافتگی، نظریه زمینه‌ای، شهرستان مریوان.

طرح مسئله

دگرگونی و تطور در ماهیت، کلیت و یا ابعاد متنوع پدیده‌های اجتماعی در بُره‌های زمانی گوناگون برای هر جامعه‌ای، واقعیتی انکارناپذیر و قابل مطالعه است؛ چونکه در کل، تصوّر جامعه‌ای ایستا و فاقد تغییر، امری غیرمنطقی است. تغییرات در ابعاد گوناگون جوامع در پیوستاری از مناسبات برهم‌کنشی و روابط علت و معلولی اند

* . استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان.

** . استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا.

*** . کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان.

و پدیده‌های اجتماعی حاصله از آن‌ها نیز ماهیتی چندبُعدی^۱ و چندعلیتی^۲ دارند. مجموعه‌ای از عوامل گوناگون باعث می‌شود تا تلاش‌های صورت گرفته برای درک ماهیت این تغییرات و پدیده‌ها، با همدیگر تمایزاتی جزئی و حتی بنیادی داشته باشند. نظریه‌های اجتماعی راجع به درک این تغییرات نیز از زوایای متفاوتی به پدیده‌ها می‌نگرند. در کنار ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، یکی از ابعاد هر جامعه‌ای نیازهای اولیه معیشتی افراد آن جامعه یا به زبان تخصصی‌تر، بُعد اقتصادی آن جامعه است که میرا از تغییر نیستند. شیوه‌های معیشتی افراد نیز مبتنی بر ضرورت‌های زمانی، مکانی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی و فرهنگی، دارای خاستگاه‌ها و صورت و محتوای متفاوتی هستند.

سامان‌یابی شیوه‌های متفاوت معیشتی به لحاظ تئوریک در قالب نهاد اقتصاد از نتایج توسعه نظری و علمی است. یکی از شکل‌های نهاد اقتصاد در نواحی مرزی، مبادله و تجارت بین مرزی است که در قالب‌های رسمی و غیررسمی و به شیوه‌ها و ترفندهای متفاوتی صورت می‌گیرد. شهرستان مریوان تا سال‌های قبل از انقلاب، مناسبات همه‌جانبه اندک ولی مستمری با شهرهای همسایه داخلی و خارجی‌اش داشته است. معیشت مردم این منطقه مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده، از لحاظ عقاید مذهبی منسجم، وضعیت رفاه مردم بجز قشر خوانین (آن‌هم با اندکی تفاوت) هم‌سطح بوده و تغییرات فرهنگی در آن موجود، اما بسیار نامحسوس بوده است. بعد از وقوع جنگ ایران و عراق، مناسبات تجاری در مناطق مرزی این شهرستان شدت و اهمیت مضاعفی بخود گرفت. با رسمی شدن ارتباطات تجارت مرزی در این شهرستان، تغییرات قابل توجهی در سطح رفاه اقتصادی و میدان تعاملاتی مردمان این منطقه و به تبع آن در افق ذهنی و بینشی آنان نسبت به اعیان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و محیط هنجاری رخ داده است. بررسی سیر و جهت تغییرات ابعاد یاد شده، به‌گونه‌ای جامعه‌شناختی دارای اهمیت است اما کاوش مجاری و روند شکل‌گیری بُعد تجارت مرزی از اقتصاد این منطقه که بر تمام موارد یاد شده تأثیرگذار بوده است، ارجحیت بیشتری را نمایان می‌سازد. پدیده تجارت مرزی به مثابه امری تاریخی و بسترمند و واقعی اثرگذار بر کنش‌های اعضای این اجتماع دارای پروسه‌ای است که در پس ذهنیت و ناخودآگاه همین کنش‌گران معنا و تفسیرهایی منحصر به فرد و غیرتئوریک را به خود اختصاص می‌دهد. مطالعه چگونگی برساخت شدن پدیده تجارت مرزی از منظر دید و خوانش کنش‌گران بومی این منطقه علاوه بر تبارشناسی پدیده تجارت مرزی، امکان تشریح چگونگی و دلایل تغییرات حاصله در ابعاد گوناگون این جامعه را نیز فراهم می‌کند. بر این اساس، سؤال اصلی مورد توجه این پژوهش این است که مرزنشینان ساکن در مریوان برساخت پدیده تجارت مرزی را در این مناطق مرزی چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟ مردم این منطقه بسترها، مجاری و دلایل شکل‌گیری پدیده تجارت مرزی را چه می‌دانند؟

اهمیت و اهداف مطالعه

با اذعان به رقم بالای مساحت مرزهای کشور (هشت هزار کیلومتر)؛ وجود تنوع و تفاوت در ابعاد اقلیمی و جغرافیایی، فرهنگی، قومیتی، زبانی و مذهبی در مناطق مرزی که ۱۶ استان مرزی با حدود ۵۰٪ از مساحت کل کشور را در بر می‌گیرد، وجود قرابت‌های فرهنگی و تداخل نشانگرهای فرهنگی اقوام ساکن در دو سوی مرز،

^۱ . Multi-Dimensional

^۲ . Multi Casual

دوری از مرکز و تفاوت در شاخص‌های توسعه یافتگی این مناطق و موقعیت استراتژیک مناطق مرزی، مقوله مرز و ارتباطات میان مرزی در تمام سطوح سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطالعه علمی این زمینه‌ها از یک سو می‌تواند در انتخاب راه‌ها و سیاست‌های مناسب و کم هزینه در جهت مدیریت مسالمت‌آمیز تغییرات اجتماعی در مناطق مرزی مؤثر باشد و از سوی دیگر، در شناخت ابعاد پاتولوژیک و فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود در مناطق مرزی و تجارت مرزی^۳ راه گشا باشد.

هر چند تجارت مرزی در سطح فراملی، به مثابه یکی از ابعاد جهانی شدن حوزه اقتصاد و ورود برنامه‌ریزی شده نیروهای نوسازی توصیف می‌گردد؛ با این وصف، در سطح ملی و داخلی به نوعی بازتاب ناهماهنگی و چندگانگی ساختاری می‌باشد. نکته قابل توجه در این خصوص که عمدتاً نادیده گرفته می‌شود، درک این مسئله است که از منظر افرادی که با مرز و تجارب مرزی تجربه زیسته دارند، عناصر یاد شده چگونه عمل کرده و چه پیامدهایی به دنبال دارد؛ عملی نمودن این نوع کارها نیازمند رسوخ به کُنه دایره معنایی و رمزگان زبانی کنش‌گران درگیر با مسئله مورد بررسی است. شناخت و کاوش معنایی تغییرات رویه‌های گوناگون پدیده‌های اجتماعی - اقتصادی که به گونه‌ای تدریجی صورت می‌گیرند، امری ضروری و در عین حال نیازمند احتیاط و توجهات بسیار دقیق است و از ضرورت و اهمیت بحث و بررسی جامعه‌شناختی برخوردار است و این پژوهش سعی در انجام این مُمهم نموده است تا به‌عنوان نمونه‌ای عینی از مرزها و بازارچه و شهرستان‌های مرزی، تجارت مرزی را در شهرستان مریوان مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه مطالعه

مروری بر مطالعات تجربی مرتبط با تجارت مرزی نشان می‌دهد که عمدتاً به مقوله مرز و تجارت مرزی از منظر اقتصادی و سهم آن در توسعه اقتصادی مناطق مرزی، سیاسی - امنیتی و ژئوپلیتیکی (رازینی و باستانی، ۱۳۷۵؛ بشیری، ۱۳۷۷؛ محمودی، ۱۳۷۸؛ پیربوداقی، ۱۳۷۹؛ احمدی، ۱۳۸۱؛ متوسلی و محمودی، ۱۳۸۳؛ نظری‌پور و معزی، ۱۳۸۹؛ زنگی‌آبادی و آهنگری، ۱۳۸۹؛ صفرپور و مظفری، ۱۳۸۹؛ ملکی و دیگران، ۱۳۸۹) پرداخته شده است. علاوه بر این‌ها برخی تحقیقات جامعه‌شناختی اقتصادی و مردم‌شناسانه هم توسط جامعه‌شناسان اقتصادی (ویلیامز و بالز، ۲۰۰۲: ۲) صورت گرفته است. ویلیامز و بالز بر فعالیت‌های تجارت مرزی در مرز اکراین و اسلواکی متمرکز بوده‌اند و با نگاه جامعه‌شناسانه اقتصادی بیشتر بر اهمیت و قدرت قابل توجه دربانان، تسهیل‌کنندگان و مأمورین گمرکی در تأثیرگذاری بر فعالیت‌های تجاری در مرز تاکید داشته‌اند. بنابر آن چه گفته شد، غلبه نگاه اقتصادی و امنیتی به مقوله مرز و تجارت مرزی موجب شده است تا نحوه برساخت اجتماعی این مسئله و درک و تفسیر و تجربه مرزنشینان از مرز و تجارت مرزی نادیده گرفته شود و با نگاه کلان‌نگر، نقش افراد درگیر در این مسئله مورد غفلت قرار بگیرد؛ امری که امروزه در کانون توجه مدل‌های انسان‌شناسی توسعه قرار دارد.

علاوه بر این در بخشی از مطالعات تجربی به نقش عوامل فرهنگی در تداوم و تحکیم تجارت مرزی پرداخته شده است که قرابت موضوعی بیش‌تری با این پژوهش دارد. کیانی و دیگران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «نقش

³. Border Trade

اشتراکات فرهنگی در توسعه پایانه تجارت مرزی تمرچین (شهرستان پیرانشهر)» با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر بررسی‌های میدانی و پرسشنامه و مصاحبه و با کمک تکنیک swot و نرم‌افزار spss نشان داده‌اند که اشتراکات فرهنگی بین مردمان دو منطقه مرزی در بسط بازارچه مرزی تمرچین نقش بسیار مثبتی داشته است و موجب شده است تا مسئولین در چارچوب اشتراکات یادشده قابلیت برنامه‌ریزی و مدیریت بهتری داشته باشند. بنابراین، اشتراکات فرهنگی به مثابه فرصت‌هایی در ایجاد بازارچه‌ها نقشی اساسی ایفا نموده است.

در تحقیقی دیگر، پور نظمی و زلفی پور (۱۳۸۹) به بررسی «نقش اشتراکات فرهنگی در توسعه بازارچه‌های مرزی» پرداخته‌اند. آن‌ها با تاکید بر مفهوم بازار اذعان نموده‌اند که بازار دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و مکانی است برای بخشی از فعالیت‌های انسانی. بنابراین، در صورت عملکرد درست نهادهای مرتبط و بهره‌مندی از سرمایه‌های اجتماعی - اشتراکات فرهنگی - می‌توان فعالیت‌های اقتصادی، نوع کالاهای مورد مبادله، همکاری‌های متقابل اقتصادی، اشتغال، درآمد و حتی امنیت و ایجاد صلح و ثبات و غیره را در نقاط مرزنشین و سایر مناطق هم‌جوار آن‌ها تحت تأثیر قرار داده و موجب توسعه و رونق بازارچه‌های مرزی شد.

روش‌شناسی مطالعه

روش‌شناسی حاکم بر این پژوهش کیفی بوده و با روش مردم‌نگاری^۴ عملیات اجرایی تحقیق صورت گرفته و روش نظریه زمینه‌ای^۵ هم برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها به کار گرفته شده است. مردم‌نگاری به عنوان روشی عمده در رشته انسان‌شناسی امروزه در قالب مردم‌نگاری صوری و برای بررسی مشکلات عدیده در دنیای مدرن توسط حوزه‌های گوناگونی نیز بکار گرفته شده و در انحصار حوزه نظری - عملی بخصوصی نیست. تحقیق‌های مردم‌نگارانه به صورت کارهایی میدانی و با روحیه طبیعی‌گرایانه^۶ و بسترمند^۷ در یک پیوستار امیک - اتیک پدیده‌ها را در بستر طبیعی‌شان مطالعه نموده و محقق بازاندیش به ارائه توصیفی ضخیم^۸ از موضوع مورد مطالعه و جوانب گوناگون آن اقدام می‌کند. نظریه زمینه‌ای هم به مثابه پاسخی به نقد اثبات‌گرایان مبنی بر داستان‌گونه بودن رویکرد تفسیری است و اصولاً برای ساخت نظریه‌های بنیادی و داده محور کاربرد دارد اما برای نقد، بسط و آزمون نظریه‌های صوری نیز استفاده می‌گردد (محمد پور، ۱۳۹۰: ۲۱۵-۳۲۰). جامعه آماری مورد مطالعه تحقیق، ۲۲ نفر از مطلعین کلیدی^۹ یا دروازه‌بانان^{۱۰} خبری یا به عبارت ساده‌تر افراد درگیر در این پدیده در شهرستان مریوان هستند و شیوه نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری کیفی^{۱۱} - نظری^{۱۲} و تعمدی^{۱۳} بوده است. بر این اساس کلیدی‌ترین افراد^{۱۴} و اسناد، مشاهده و مطالعه گردیده‌اند تا اشباع نظری^{۱۵} فرا رسد و همین اشباع نظری مرحله پایانی نمونه‌گیری بوده است. در

4. Ethnography

5. Grounded Theory Method

6. Naturalism

7. Contextual

8. Thick Description

9. Key Informants

10. Gate Keepers

11. Qualitative Sampling

12. Theoretical

13. Purposive

14. Key Informants

15. Theoretical Saturation

مراحل آغازین مصاحبه‌ها سعی شد تا به روش گلوله برفی^{۱۶} اطلاعات پایه‌ای و حتی مفاهیم و داده‌ها و مراکز و افرادی را که به عنوان منابع اصلی اطلاعاتی ما خواهند بود شناسایی نموده و در مراحل بعد بیشتر بر آن‌ها متمرکز شویم. محقق زمان‌های بسیاری از شبانه‌روز را در روستاها، پایانه مرزی، بازارچه‌ها و یا به پرسه‌زنی هدفمند در مراکز خرید جهت مشاهده‌های عمیق و زنده گذرانده است و نهایتاً هر جایی که محقق به یقین رسیده است که داده‌های تازه چیزی ندارند که بر یافته‌های پیشین بیافزاید، آن‌را به عنوان نقطه اشباع و پایانی برای گردآوری داده‌ها دانسته و همچنین برای تحلیل داده‌ها مصاحبه‌ها را نیز مکتوب نموده و پاسخ‌ها را به کمک سه شیوه کدبندی باز^{۱۷}، محوری^{۱۸} و گزینشی^{۱۹}؛ در سه سطح مفاهیم و مقوله‌های عمده و در نهایت مقوله هسته تلخیص نموده و بر این اساس استنباط شده است که تفسیر مردم مبنی بر این است که وقایع و شرایط مرتبط با برساخت پدیده تجارت مرزی در آن شهرستان کدام‌ها بوده‌اند. در این تحقیق تجارت مرزی به عنوان وضعیتی در نظر گرفته می‌شود که تحت تأثیر عوامل و شرایط پیچیده و متفاوتی برساخت می‌شود. منظور از تجارت مرزی مجموعه مبادلات و تعاملات اقتصاد - محوری است که در شهرستان مرزی مریوان، به شیوه‌های گوناگونی در دو قالب تعاملات اقتصاد رسمی و غیررسمی جریان می‌یابند و همگی در کلیت گسترده تجارت مرزی قرار می‌گیرند. درک، تجربه و تفاسیر مرزنشینان از پدیده مورد بررسی در قالب مقوله‌هایی خاص تلخیص گشته است. تعریف عملیاتی مفاهیم مبتنی بر اصل جامعیت هم‌زمانی است که این مقوله‌ها با احاطه مفاهیم متعددی که در بر می‌گیرند، از آن برخوردار می‌شوند. بر این اساس، تعریف عملیاتی مقوله‌ها مبتنی بر مفاهیمی است که زیر پوشش خود دارند و این مفاهیم در بطن موضوع بیشتر بسط یافته‌اند.

معرفی میدان مورد مطالعه

استان کردستان، به عنوان یکی از استان‌های مرزی و هم جوار با شمال عراق، به دلیل سابقه تجارت با عراق از جمله استان‌هایی است که اتاق بازرگانی و صنایع و معادن آن با عنوان «خانه تجارت» از سال ۱۳۱۴ شمسی شروع به فعالیت نموده و از سابقه ۷۶ ساله برخوردار می‌باشد. در استان کردستان از سال ۱۳۷۱ تاکنون سه بازارچه مرزی در سطح شهرستان‌های سقز، بانه و مریوان با مجوز شورای عالی امنیت ملی تأسیس و شروع به فعالیت نموده است (تصویر ۱). شهرستان مریوان در ۱۲۵ کیلومتری شمال غربی سنندج، در استان کردستان، تا قبل از سال ۱۳۳۷ با عنوان «بخشداری مریوان» از بخش‌های تابعه شهرستان سنندج بوده است. در آن‌زمان، کلاترزان، سروآباد و سرشیو نیز جزء حوزه مریوان محسوب می‌شدند. هم‌اکنون، شهرستان مریوان با ۲۲۵۹/۵ کیلومتر مربع مساحت و جمعیتی قریب به ۱۶۷ هزار نفر، حدود ۱۱۰ کیلومتر با استان کردنشین سلیمانیه عراق مرز مشترک دارد. مردم منطقه اهل تسنن هستند و به زبان کُردی (لهجه‌های سورانی و اورامی^{۲۰}) تکلم می‌کنند. نظام خانواده، رعایت شئونات اسلامی و

16. Snow balling

17. Open Coding

18. Axial Coding

19. Selective Coding

20. The Soranian & Awramian Accents

اخلاق اجتماعی و سلسله مراتب قدرت و احترام در میان خویشاوندان و دیگر مناسبات و تعاملات روزمره، همواره از اهمّ موضوعات مورد تأکید بوده است. در فاصله ۱۶ کیلومتری غرب شهرستان مریوان، مرز باشماق^{۲۱} واقع است که در حال حاضر تمام فعالیت‌های یک مرز رسمی و تجارت مرزی رسمی در آن جریان دارد (حسینی، ۱۳۸۹: ۱).



تصویر ۱- موقعیت بازارچه‌های باشماق، سیف، سیراتبند در استان کردستان

بازارچه مرزی باشماق بعنوان فعال‌ترین بازارچه مرزی غرب کشور، در طی سفر ریاست جمهور به استان کردستان، بر اساس بند ب تصویب نامه هیأت وزیران که در تاریخ ۸۹/۸/۲۵ در مرکز استان تشکیل و به استناد نامه شماره ۳۶۲۶۱/۱۰۶۷۸۲ مورخه ۸۵/۹/۱ به عنوان مرز رسمی به تصویب رسید و در مرداد ماه سال ۱۳۸۶ به عنوان مرز رسمی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و ردیف ترانزیت کالا نیز در آبان ماه همان سال برای این مرزی رسمی اخذ شد. به دنبال اجرایی شدن این مصوبه ترانزیت کالا از استان کردستان به کشور عراق وارد سیر صعودی شده و هر سال نسبت به سال قبل دارای رشد قابل ملاحظه‌ای می‌باشد. اداره گمرکات کشور در سال ۱۳۸۹ در بین بیش از ۱۰۰ کمرگ کشور که دارای ردیف ترانزیتی هستند، کمرگ باشماق را به عنوان سومین مرز ترانزیتی معرفی کرده است. اکنون استان کردستان با داشتن مرزی فعال و گمرک بین‌المللی باشماق، مهم‌ترین مسیر خروجی ترانزیتی و فعال‌ترین مرز زمینی (مرز خاکی) کشور با عراق محسوب می‌شود و این امر سبب رونق در مبادلات مرزی، تجاری و گردشگری بین‌المللی شده است.

بر اساس مصوبه‌ی هیئت وزیران در دور اول و دوم سفرهای استانی به استان کردستان، دریاچه زریوار^{۲۲} (زریبار) مریوان به عنوان قطب گردشگری استان کردستان، و بازارچه مرزی باشماق با جاذبه تجاری-بازرگانی، به عنوان یکی از مناطق نمونه گردشگری تصویب شده است. مرز رسمی، بازارچه مرزی و دریاچه زریوار از قابلیت‌های این قطب محسوب می‌شوند که می‌توان با توسعه فعالیت‌ها در شهرستان مریوان گام‌های اساسی در

²¹. Bashmaq

²². Zrewar Lake

جهت توسعه منطقه و به تبع آن گردشگری این قطب برداشت. این شهرستان مرزی که هم‌اکنون به واسطه تنوع کالاهای خارجی به عنوان شهر بازار و خرید مطرح است، دارای بازار بزرگی بوده و همواره بیش‌ترین توجه گردشگران ورودی را با توجه به قیمت‌های مناسب به خود معطوف می‌کند. با این توضیحات تا حدودی می‌توان جایگاه بازارچه مرزی را در تمام مناسبات و ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زندگی مردم منطقه احساس نمود و برای شناخت بیش‌تر این مسئله از دید افراد آن جامعه اقدام نمود.

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم و تم‌های عمده مورد مطالعه تمرکز دارند و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد. در بررسی‌های کیفی به جای استفاده از مبانی نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۸: ۳۱۱-۳۱۴). بنابر تفاوت‌های فلسفی - پارادایمیک میان روش - شناسی‌های کمی و کیفی، استفاده از نظریه در روش‌شناسی کیفی به منظور نظریه‌آزمایی نیست و نظریه‌ها نقشی الهام بخش و مکمل‌گونه در فرآیند پژوهش و تحلیل داده‌ها و برای ایجاد حساسیت نظری - مفهومی جهت کمک به باز بودن ذهن محقق نسبت به مسائل و مقوله‌های مورد پژوهش دارند. نظریه‌ها به مثابه لنز نظری تحقیق یا راهنمای عمومی محقق برای یافتن مسیر تحقیق و جستجوی مقوله‌های عمده و کمک به محقق برای بسط معرفتی در حوزه نظری تحقیق و یا برای کمک به تدوین سؤالات عمومی تحقیق و همچنین تدوین چارچوب مفهومی تحقیق کیفی هستند، اما همه روش‌های تحقیق کیفی از نظریه‌ها یا چارچوب مفهومی بطور یکسان استفاده نمی‌کنند، در روش نظریه زمینه‌ای از نظریه‌ها جز به‌عنوان ادبیات فنی استفاده نمی‌شود و حتی محققان نسبت به کاربرد نظریه‌ها مختارند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۲۳۴).

در این‌جا و برای بررسی بسترها و دلایل عمده ظهور و شکل‌گیری تجارت مرزی در شهرستان مریوان با کمک بازخوانی تفسیر تفسیرهای افراد همین جامعه و برجسته نمودن درک و تفسیر افراد درگیر در این پدیده راجع به بنیادهای اساسی و روند و چگونگی ظهور تجارت مرزی در این شهرستان، می‌توان از دیدگاه‌ها و تئوری‌های اجتماعی گوناگونی به عنوان چارچوب مفهومی استفاده نمود. دو دیدگاه که با توسعه و تغییرات پدیده‌های اجتماعی قرابت بیشتر دارند عبارتند از: دیدگاه‌های نوسازی^{۲۳} و دیدگاه برساخت‌گرایی^{۲۴} (سازه‌گرایی اجتماعی یا برساختی - تفسیری). بر اساس تئوری‌های دیدگاه نوسازی و توسعه می‌توان گفت: تجارت مرزی یکی از جنبه‌های اقتصاد است که برای مدرنیزاسیون و ارتقای معیشتی، تکنولوژیکی، صنعت و خدمات و غیره یک کشور و در چارچوب قوانین اقتصادی از پیش تعیین شده‌ای است، تا براساس این قوانین کشور مرزی بتواند به توسعه و تغییر جایگاه مرکز پیرامون و نیمه‌پیرامونی خود در جهت تبدیل شدن به یک قدرت مرکزی تلاش نماید. در این نظریه‌ها، علاوه بر مجاری ارتباطی متنوع دیگر از قبیل: رسانه‌های جمعی، تلفن و حمل و نقل؛ مرز و تجارت مرزی به مثابه یکی از

²³. Modernization

²⁴. Reconstructionism

مجاری بسترساز و اجرایی برای تحقق مدرنیزاسیون و پیشرفت آن کشور مرزی قلمداد می‌شود و در این نظریه‌ها بیشتر بُعد کمی تغییرات ملموس و مورد توجه است و تا حدودی مفهوم رشد با مفهوم توسعه خلط معنایی می‌یابند. در این نظریات جایگاه سوژه فعال و کنش‌گر در کشورهای توسعه نیافته نادیده گرفته می‌شود و تا حدودی معنا و محتوا یا روح عمل و تغییرات بی‌اهمیت جلوه داده می‌شوند.

اما از آن‌جا که این تحقیق به روش کیفی و در پارادایم سازه‌گرایی اجتماعی جهت بررسی درک و تفسیر افراد از موضوع مورد مطالعه صورت می‌گیرد پس، جهت ایجاد چارچوب مفهومی سعی می‌شود تا این مفاهیم را از کسانی وام بگیریم که قرابت معرفت‌شناسی^{۲۵} و روش‌شناسی^{۲۶} بیش‌تری با رهیافت مورد استفاده ما (برساختی - تفسیری) دارند. مفروضات اساسی رویکرد سازه‌گرایی نشان دهنده آنند که، حقیقت و معنا به گونه‌ای مستقل از آگاهی انسان‌ها قرار ندارند. معانی به‌جای اینکه کشف و یافته شوند برساخته می‌شوند (Fish, 1998: 322). جهان و ابژه‌های بخودی خود بی‌معنای آن در برساختن معنا به انسان‌ها کمک می‌نمایند. ماهیت انسان خلاق و منبع و مرجع نهایی هرگونه ساخت و ساز و تغییر در واقعیت‌های اجتماعی همان انسان است. واقعیت‌های اجتماعی سیال‌اند و به مثابه امور برساخته انسانی فاقد قوانین از پیش تعیین شده بوده و دائماً در حال شدن^{۲۷} هستند، پس مسیر و روش خاصی برای درک واقعیت‌ها و یا ایجاد تغییر در آن‌ها به سهولت ممکن نیست، واقعیت‌ها نه تنها قابل کشف و کنترل نیستند بلکه صرفاً می‌توانند درک و تفسیر شوند (Gelser, 1987: 12). این رویکرد که بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تأکید دارد بر این باور است که واقعیت‌ها در فرآیند درک و تفسیر انسان‌ها و در خلال زندگی روزمره ساخته شده و معنادار می‌شوند. معانی تولید شده وابسته به بستر بوده و در درون آن بستر، معنا می‌یابند. بنابراین، نه تنها نحوه درک و فهم انسان‌ها از واقعیت‌ها اهمیت دارد، بلکه اینها اشکال متعددی نیز دارند؛ پس ما نه با یک واقعیت واحد و مشخص بلکه با واقعیت‌های متعدد و گوناگون روبرو هستیم (ترنر و دیگران، ۲۰۰۳؛ دنزین و دیگران، ۲۰۰۵: به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۳۳).

انسان‌ها بنابر تجربه زیسته‌شان دارای دانشی حسی راجع به امور معیشتی فردی و عمومی زندگی خود هستند، دانش لازم یک اقتصاددان و یک فرد عادی راجع به امور معیشتی فردی و عمومی با هم‌دیگر دارای قرابت بسیاری بوده و این دانش حسی که جزیی از تجربه زیسته افراد عادی است لزوماً غلط نیست، بلکه تا حدودی نسبت به دانش تخصصی و تئوریک یک فرد اقتصاددان غیر علمی است^{۲۸}. اقتصاد بخودی خود با بهره و نرخ سود و میل نهایی پس‌انداز و ضرر و هزینه تولید و این قبیل موارد مرتبط است نه با [ذات انسانی] تاجر، کارگر، کارفرما، خریدار و فروشنده (شومپتر، ۱۳۷۵: ۱۶) پس ضروری است که به معنا و فرایند تفسیر معانی و کنش‌های انسان‌ها در اجتماع‌های گوناگون با فرهنگ‌های متفاوت توجه شود. نواحی مرزی دارای فرهنگ، نظام و قواعد زبانی، رفتاری ویژه‌ای هستند، پدیده تجارت مرزی نیز یکی از ابعاد زندگی اقتصادی و گستره فرهنگی این نواحی مرز نشین است. چگونگی فهم عناصر متفاوت این گستره فرهنگی بعد از مسئله چرخش فرهنگی، تحولات متفاوتی در تئوری‌های

25. Epistemological

26. Methodological

27. Coming

28. Non Scientific

علوم انسانی و رفتاری بدنبال داشته است. رهیافت نمادین کلیفورد گیرتز^{۲۹} به گستره فرهنگ همراه با روش‌شناسی (تفسیری - نمادین) ویژه‌اش، از جمله این تحولات قلمداد می‌شود. گیرتز به تأثر از وبر، پارسونز، گادامر، هایدگر، ریکور، بواس، کروبر، رابرت لووی، مالینوفسکی و دیگران، فرهنگ را به‌عنوان خرده نظام غالب جامعه عنوان کرد و برای اجتماع و پدیده‌های آن حالت "متن گونه"^{۳۰} ای قایل بود که برای شناخت آن‌ها باید به شیوه‌ای "تفهیمی و تفسیری" و به روش "مطالعات میدانی" عمل شود. وی نهایتاً بر "دیدگاه بومی" تأکید داشت (Geertz, 1973: 5).

گیرتز معتقد بود که درک فرهنگ به مثابه یک کلیت منسجم و در تمام ابعادش غیرممکن است، اما درک جزیی از عرصه‌های کوچک و قابل دسترس آن کلیت واحد، مقدور است و این درک حاصله امری کامل و مانع نیست بلکه بخشی اندک از مجموعه‌ای کلان است که به تدریج متحقق خواهد شد (فکوهی، ۱۳۸۱).

در رویکرد ذهن‌گرایانه گیرتز، فرهنگ به مثابه الگوی معانی نهفته در صور نمادین قلمداد می‌شود که مجرای ارتباط و تشریک معانی و زیست روزمره افراد است، تمام عناصر، پدیده‌ها، و کنش‌های معنادار از جمله این صور نمادین‌اند. بر این اساس کنش تجارت مرزی نیز مقوله‌ای عینی و از پهنه گستره فرهنگ مرزنشین‌ها است که به مثابه متنی معنادار که در عین حال برساخته آدمی است قابل مطالعه و تفسیر نیز هست و همین پدیده تجارت مرزی به جای این‌که به‌گونه‌ای علی-کارکردی^{۳۱} تکمیل شده باشد به شیوه‌ای منطقی-معنایی^{۳۲} انسجام یافته است و همانند نظام فرهنگی قابل تفسیر است و بدین شیوه تجارت مرزی از تکنولوژی‌ها و فنون اقتصاد محض تمایز می‌یابد و تجارت مرزی از نوعی دلالت و تفسیر برخوردار است که ماحصل کنش‌های خاص فردی و جمعی افراد درگیر با آن به شمار آید.

گیرتز در جایی زایش فرهنگ را پیامد نشانه‌ای شدن کنش‌ها، رفتارها و حتی کالبد انسان عنوان کرده است؛ یعنی تبدیل یک کنش فردی به فرهنگ، نیازمند تفسیر آن کنش در چارچوبی جمعی است (Geertz, 1973: 4-14).

یک رفتار فرهنگی (همانند تجارت مرزی) اگرچه در ذهن فرد کنش‌گر (تاجر، قاچاق‌فروش، مأمور، مسافر، کشاورز و غیره) حضور دارد، اما در عین حال در ذهن تحلیل‌گر آن رفتار (اقتصاددان، جامعه‌شناس، انسان‌شناس و غیره) نیز حاضر است؛ اما هر دوی این‌ها برای عمل کردن، نیازمند بستر عمل ویژه‌ای هستند و این بستر کنش ویژه، همان نظام نشانه‌ها یا فرهنگ آن‌ها است. این بسترهای کنش و ارتباطی به مثابه نظامی از معانی^{۳۳}، رمز^{۳۴} و کدها در طی زمان به بسط ساختارهایی سیال از تفهم می‌نجامند تا به تحقق تجربه‌های افراد در آن‌ها ختم شوند. پس مسلّم فرض گرفتن پدیده‌ای مانند تجارت مرزی به‌عنوان امری لایتغیر منتفی است، بلکه نظام معانی متغیری هستند در ساختارهای سیال در زمان‌های متفاوت. این نظام معنادار ویژه (موضوع، عمل، پدیده، ارتباط و غیره) یک نماد^{۳۵} است که به‌صورت تجسم عینی و منظم، جهت اظهار یک نظر و نگرش به‌کار می‌رود و در طی یک روند زمانی بالنسبه طولانی به صورت آن نماد ویژه در آمده‌اند. این اشکال نمادین علاوه بر قراردادی بودن، عمدی، ساختاری و

29. Clifford Geertz

30. Textual

31. Casual - Functionally

32. Logical - Meaningfully

33. Meaning System

34. Code

35. Symbol

در حامل بودن، زمینه‌دار نیز هستند، بدین دلیل در پس هرگونه کنش، شیئی، رابطه‌ای می‌تواند یک نوع نماد باشد به شرط آن‌که در یک تماس قابلیت تولید معنا را داشته باشد. در پس نمادها معمولاً گونه‌ای اجماع و وفاق عمومی قرار گرفته است و این نمادها برای ارائه مفاهیم و معانی به صورت نظام‌های نمادین عمل می‌کنند و واقعیت‌های تام اجتماعی را شکل می‌دهند (ملکی صادقی، ۱۳۸۹: ۱۶-۲۰).

نماد واحد و کلی‌تر پدیده تجارت مرزی به عنوان منظومه‌ای از نمادهای ریز و کوچک‌تر، بازناگر شرایط حاکم بر منطقه و تجسم عینی نگرش‌های مردم منطقه به این وضعیت ویژه حاکم بر منطقه مریوان است و در ضمن بسترمند، عمدی و قراردادی بودن، حامل ارزش‌های فرهنگی منطقه نیز هست. محقق به‌هنگام مطالعه پدیده تجارت مرزی، جهت درک معانی الصاق شده به پدیده تجارت مرزی، به نوعی «تفسیر تفسیرها»^{۳۶} (گیدنز) یا «درک ادراک»^{۳۷} (گیرتز)، یا همان بازسازی مجدد معانی مورد نظر کنش‌گران توسط خودش، دست می‌زند. کنش‌گران اجتماعی بر اساس پیشا ذهنیت‌های‌شان به تفسیر و ارزیابی جهان اطراف خویش اقدام می‌کنند، ماحصل تجربه زیسته افراد در محیط اجتماعی خودشان، نوعی از دانش غیر-تخصصی آن‌ها است. شرایط و ساختارهای اجتماعی و عینی ماحصل از همین پیشاذهنیت‌ها، که شاید برای محقق با نگاه اتیک^{۳۸} که دارای تجربه دور است، در بسیاری موارد جای بحث و تأمل داشته باشد اما به دلیل مقبولیت معیارهای معانی نهفته در رفتارهای برساننده این شرایط در نزد کنش‌گران بومی این ساختارها و تجربه نزدیک آن‌ها، در این شرایط و معانی نهفته در آن‌ها هیچ جای بحثی وجود ندارد. گیدنز با تأکید بر عاملان آگاه و بازاندیش^{۳۹} معتقد است که: نظریه‌پردازان واقعی اجتماعی، اعضای جامعه‌اند که نظریه‌های خود را در باب ابعاد واقعی زندگی روزمره بر اساس تعامل و تجربه‌های خود، تولید و بازتولید می‌کنند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۶۵). محقق با ارائه توصیفی ضخیم (نه توصیف حجیم و پُرنگاری) از شرایط اجتماعی به شناخت تقریباً درست‌تر و توصیف‌های ریز و میکروسکوپی که هر کدام به معنایی خاص صورت گرفته‌اند، اقدام می‌کند. این‌گونه توصیف‌ها بر تأیید بومی و نسبی بودن دانش و واقعیت و غیرتبیینی بودن بررسی‌های اجتماعی صحه می‌گذارند و در مطالعات اجتماعی به‌جای جستجوی قانون باید در جستجوی معانی و پدیده‌ها بود تا "تبیین‌های تفسیری" معتبر و برتری ارائه گردند.

داده‌ها و یافته‌ها

یافته‌های تحقیق در ۳۰ مفهوم^{۴۰} و ۴ مقوله غمده^{۴۱} و ۱ مقوله هسته^{۴۲} کدبندی شده‌اند تا بر مبنای آن برساخت اجتماعی تجارت مرزی را از منظر مرزنشینان بازسازی معنایی نمود و در قالب مدلی ویژه به تصویر کشید. ۴ مقوله غمده عبارتند از: "بستر اکولوژیک"^{۴۳}، "تنگناهای اقتصادی و معیشتی"^{۴۴}، "قرابت خویشاوندی و بین

36. Interpretation of Interpretation

37. Understand the Understand

38. Etic

39. Reflexive

40. Concept

41. Major Category

42. Core Category

43. Region Geographical position

44. Livelihood & Economic Straits

فرهنگی در منطقه^{۴۵}، سیاست‌های راهبردی واکنشی حکومتی^{۴۶} و مقوله هسته نیز که دیگر مقولات کلی را شامل می‌شود مقوله "توسعه نیافتگی"^{۴۷} است. بر اساس مدل بدست آمده، توسعه نیافتگی منطقه در جنبه‌های جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سازمانی موجب شده است تا مردم منطقه تجارت مرزی را به عنوان بهترین گزینه ولی از روی ناچاری برای تحقق وضعیتی متعادل انتخاب نمایند که در آن وضعیت فشارها و مشکلات گوناگونی را که بر تمام ابعاد زندگی مردم آن منطقه تحمیل می‌گردند، حذف یا رفع نموده باشند. به عبارت دیگر، پدیده تجارت مرزی در منطقه میوان برساخت و امری تاریخی، بسترمند و اجتماعی است که با توجه به وضعیت محیطی و در تعامل مردم با شرایط ساختاری نامتعادل در ابعاد چهارگانه حیات اجتماعی وضعیت‌های جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سازمانی برساخته شده است. یعنی چون که مردم منطقه تصورشان بر این بوده است که منطقه آن‌ها به لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و جغرافیایی زیر فشارها و محدودیت‌های متفاوتی است پس آن‌ها نیز برای رفع این شرایط ناموزون به ابعاد متفاوتی از ارتباطات، تجارت و تبادل بین مرزی گرایش داشته‌اند تا از این طریق بتوانند آن محدودیت‌ها را به نوعی، جبران یا رفع نموده باشند. بنابراین، از منظر مرزنشینان، تجارت مرزی واکنشی بهنجار به شرایطی نابهنجار قلمداد می‌شود.

تجارت مرزی در این تحقیق عبارت است از تمام مبادلات قانونی و غیرقانونی یا به تعبیری دیگر هرگونه مبادله‌ای رسمی یا غیررسمی که از طریق گذرگاه‌های قانونی یا معبرهای غیررسمی در نوار مرزی شهرستان میوان با منطقه مرزی مجاورش در گوردستان عراق صورت می‌گیرد. تجارت مرزی به مثابه یکی از مظاهر یا گونه‌های کنش اقتصادی است که در سطوح فردی، گروهی و ملی در بین طرفین مرزی همجوار صورت می‌گیرد. دامنه این تجارت مرزی، به شیوه‌های گوناگون تا بسیاری از شهرستان‌های مجاور در هر دو منطقه مرزی (ایران و عراق) و حتی تا مرز کشورهای دیگر، بویژه در قالب ترانزیت کالا یا صادرات و واردات گسترش دارد. در اغلب جوامع، تجارت مرزی به عنوان یکی از بخش‌های اقتصاد از دیرباز وجود داشته است؛ با این وصف، تحقق هر پدیده‌ای از جمله پدیده تجارت مرزی، یقیناً دارای سیر تکوینی ویژه یا علل ظهور و تحقق‌پذیری ویژه‌ای است. به تناسب پتانسیل‌ها و امکانات، پدیده‌ها از اشکال و گونه‌های متفاوتی برخوردار خواهند بود. از آن‌جا که این تحقیق در چارچوب پارادایم تفسیری و با رویکرد برساختی (سازه‌گرایی) انجام شده است، بنابراین بر اساس مفروضه‌های این پارادایم، پدیده‌های درون جامعه، از جمله پدیده تجارت مرزی در شهرستان میوان یا هر جای دیگر، به مثابه امری تاریخی و بسترمند است که توسط همین کنش‌گران و در پاسخ به شرایط محیطی برساخته شده است. این پژوهش به چگونگی و روند ظهور این پدیده از دیدگاه مردم همان جامعه پرداخته است.

یافته‌های گردآوری شده در این تحقیق بیانگر این هستند که عوامل گوناگونی در ظهور این پدیده و تحقق آن به شکل کنونی نقش و دخالت داشته‌اند. این عوامل از مجموع مصاحبه‌ها و دیگر یافته‌ها از قبیل مشاهدات و اسناد استخراج و در چند سطح (مفاهیم، مقوله‌های عمده و مقوله هسته) تلخیص و طبقه‌بندی شده‌اند. در سطح مفاهیم،

⁴⁵. Kinship & Cross Cultural Relationship

⁴⁶. Government Reaction – Strategic Policies

⁴⁷. under development

حدود ۳۰ مفهوم استخراج شده بود که با توجه به اصل قرابت محتوایی و معنایی در ۴ مقوله کلی تر و جامع تر طبقه بندی شدند؛ به گونه ای که هر کدام بتوانند مفاهیم با قرابت بیش تر را زیر پوشش قرار دهند. دست آخر، مقوله های بدست آمده را در ۱ مقوله بسیار کلی تر تلخیص نمودیم. این مفاهیم و مقوله ها در جدول ۱ تلخیص شده اند.

جدول ۱- مفاهیم و مقولات عمده استخراج شده

مفاهیم	مقوله های عمده	مقوله هسته	نتیجه
کوه های زیاد، دشت اندک ولی حاصلخیز، هم جواری جغرافیایی و مرزی با عراق، دوری از مرکز، اقتصاد معیشتی مبتنی بر دامداری و کشاورزی	بستر اکولوژیک منطقه	توسعه نیافتگی منطقه	ظهور پدیده تجارت مرزی در شهرستان مریوان
بیکاری، جمیت زیاد، کشاورزی ناکارآمد، کشاورزی سنتی، نبود تسهیلات دولتی در بخش کشاورزی، عدم کارگاه و کارخانه در منطقه، فقدان عدالت توزیعی، عدم وجود فرصت های سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران در منطقه، سهل و در دسترس بودن تجارت مرزی برای همگان، سرمایه بوروکراسی دست و پاگیر و مایوس کننده اشتغالزایی	تنگناهای اقتصادی و معیشتی		
روابط دیرینه فامیلی بینا مرزی، قرابت زبانی بینا مرزی، قرابت دینی بینا مرزی، آشنایان جدید تجاری	قرابت خویشاوندی و بین فرهنگی		
تجزیه امپراطوری عثمانی، جنگ عراق و کویت، جنگ ایران و عراق، جنگ صدام و امریکا، احزاب و گروه های قومی در منطقه، ژینوساید کردها در عراق، عدم حمایت های اقتصادی مرکز از منطقه، نگاه ابزاری مرکز به اقتصاد منطقه، نگاه امنیتی مرکز به منطقه، ایجاد بازارچه مرزی باشماق از نوع مرزهای امنیتی، ایجاد دو بازارچه موقت مرزی روستایی	سیاست های راهبردی واکنشی حکومتی		

بر این اساس، مقوله «توسعه نیافتگی منطقه» به مثابه مقوله هسته ای انتخاب شده است که مقولات جزئی تر: «بستر اکولوژیک منطقه»، «قرابت خویشاوندی و بین فرهنگی»، «تنگناهای اقتصادی و معیشتی» و «سیاست های راهبردی واکنشی حکومتی در منطقه» را در بر می گیرد. بنا بر رهیافت و پارادایم حاکم بر تحقیق از مجموع یافته های حاضر این گونه استنباط می شود که درک مردم مورد تحقیق به گونه ای است که علت محوری بوجود آمدن و ظهور پدیده تجارت مرزی در مریوان را توسعه نیافتگی منطقه می دانند. این توسعه نیافتگی به شیوه ای است که در سطوح گوناگون جغرافیایی، اقتصادی، سیاست داخلی و سیاست خارجی دو کشور هم جوار، خودش را به انحاء گوناگون عیان و بازنمایی می کند. بر اساس این یافته ها فرایند ظهور تجارت مرزی و عوامل اساسی متداخل در ظهور این

پدیده در قالب مدل شماره ۲ مجسم و به تصویر کشیده شده است و ذکر این فرایند بر اساس زیر بخش‌ها و مقوله‌های کلی به تفصیل بیان می‌شود.

– بستر اکولوژیک

همان‌طور که اشاره شد، شهرستان مریوان به لحاظ جغرافیایی در غرب استان کردستان واقع شده است و مساحتی در حدود ۲۲۵۹/۵ کیلومتر مربع دارد و در فاصله ۴۶ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. موقعیت جغرافیایی این منطقه از جنبه‌های گوناگونی در چگونگی و روند شکل‌گیری تجارت مرزی نقش داشته و از علل و بسترهای ظهور این پدیده در منطقه بوده است. یکی از این جنبه‌ها، از یک طرف مسافت و فاصله زمانی – مکانی این منطقه مرزی با مرکز کشور ایران، و از طرف دیگر مسافت و فاصله زمانی – مکانی این منطقه مرزی با نقاط مسکونی و مبادلاتی کشور هم‌جوار است. از آن‌جا که در تاریخ کشور مراکز بسیار مهم تصمیم‌گیری و به‌نوعی مراکز صنعتی کشور، که اغلب هم شهرهای پُرجمعیتی بوده‌اند، با شهرستان مریوان دارای مسافت زمانی و مکانی زیادی بوده‌اند؛ بنابراین همین عامل باعث شده تا به هنگام تولید و توزیع محصولات گوناگون و مورد نیاز، این شهرستان (مریوان) همانند اغلب دیگر نواحی مرزی کشور با مشکلاتی گوناگون مواجه گردد، مشکلاتی از قبیل: عدم دسترسی به کالاهای اساسی و مایحتاج ضروری مردم، گران بودن کالاهای ساخت داخل در نواحی مرزی به نسبت با مرکز کشور، کیفیت بد محصولات که برای مصرف داخلی کشور، بویژه در نواحی مرزی توزیع می‌گردند، توزیع ناعادلانه و وجود وقفه‌های زمانی غیرموجه در توزیع و ارسال کالاها از مرکز به نوار مرزی منطقه.

"صلاح" راجع به علل شکل‌گیری مرز و اقدام مردم منطقه به تجارت مرزی با کشور عراق این‌طور گفت: «... چون که نوار مرزی از مرکز کشور دیر اجناس‌شان را دریافت می‌کنند و دیر به‌شون جنس و وسیله می‌رسد و تا حدودی هم گران هستند و اجناس خوب و با کیفیت نیستند... پس مردم هم به مبادله اقتصادی بیش‌تر با مردم آن طرف (مردم نوار مرزی در کشور عراق) اقدام می‌کنند».

در همین راستا و به‌گونه‌ای غیر مستقیم، ویژگی موقعیت جغرافیای منطقه مریوان باعث شده است تا توأم با تنوع‌های زبانی، مذهبی، فرهنگی و همچنین وجود پاره‌ای مشکلات و سوء برداشت‌های سیاسی – امنیتی دوطرفه در میان مسئولین منطقه، تا حدودی سیاست‌گذاری‌های قدرت مرکزی را راجع به استان و منطقه مریوان آلوده به تبعیض‌های نانوشته ولی اعمال شدنی نموده است. این امر گویای ناآشنایی مردم به حقوق مدنی و اجتماعی‌شان و سوگیری‌های بعضاً عامدانه مسئولین آگاه به وظایف خود و حقوق مردم و اغماض آن‌ها از ایفای وظایف کاری و انسانی‌شان در طی دوره‌های زمانی گوناگون گذشته، است، در این‌صورت می‌توان گفت که شرایط «توسعه نیافته سیاسی» ملموسی در منطقه و در قبال منطقه، حاکم است.

"ادریس" ضمن اشاره به برخی موارد دیگر، این موضوع را در خلال صحبت‌هایش با صدایی آهسته و خیلی محافظه‌کارانه این‌گونه عنوان نمود: «کشاورزی کم‌روتن است، مردم هر کاری بکنند به پول و سرمایه نیاز دارند و آن‌را هم ندارند، دولت هم حمایت و سرمایه‌گذاری نکرده است، مردم هم از نظر زبانی و مذهبی گرد و سنی‌اند

(ادریس در خطاب به محقق: "البته تو این را نشنیده بگیری!!") پس دولت هم به نگاه و چشمی دیگر به آن‌ها می‌نگرد».

یکی دیگر از جنبه‌های موقعیت جغرافیایی منطقه، فاصله اندک منطقه مریوان است با روستاها و شهرهای مرزی عراق، که همان روستاهای نوار مرزی هم‌زبان و هم‌کیش با مردم منطقه مریوان‌اند، به‌گونه‌ای که همانند نقاط کوهستانی دیگر غالباً کم جمعیت و کوچک بوده و دارای مسافت‌های خیلی نزدیک به هم هستند. از آن‌جا که شغل و منبع اصلی معیشت مردم هر دو طرف مرز از دیر باز کشاورزی و دامداری بوده است پس دارای ارتباطات تنگاتنگ کاری و تجاری هم بوده‌اند.

"شیرکوه" نیز همین جنبه از معاشرت‌ها را این‌گونه خاطر نشان می‌کند: «این رفت و آمدها به‌گونه‌ای اساسی یکی از منابع معیشتی و اشتغال مردم منطقه مریوان در منطقه شهرزور (گهرمیان) بوده است؛ زیرا اختلاف آب و هوایی و فصلی برای کار کشاورزی در این دو منطقه حدود یک ماه است. یعنی زمانی که در مریوان فصل درو جو شروع نشده در منطقه شهرزور- از مناطق مرزی عراق- می‌توان جو را برداشت نمود و در این زمان یک فرصت کاری برای کشاورزان و کارگران مریوانی برای رفتن به شهرزور به قصد کارگری بوده است». "صلاح" نیز این ارتباط تنگاتنگ را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «مردم دو طرف مرز ایران و عراق همانند دو دست هستند که به تنهایی صدا ندارند، زمانی بوده است که در ایران جنس و مایحتاج‌ها کم بوده است و از عراق وارد می‌شده و بالعکس».

"حسین" نیز به‌گونه‌ای ملموس‌تر می‌گوید: «روستاهای "اسکول"⁴⁸ و "کانی کبود"⁴⁹ تا "آوریژگه" - نوریژگه⁵⁰ که تقریباً "سهرتهپ سوورین"⁵¹ است مرتع و علفزار داشتند، از نوک قله "سوورین" به آن طرف هم علفزار عراقی‌ها بود. در فصل کار و دامداری مردم روستاهای نوار مرزی، بیشتر اوقات روز را با هم بوده و در کنار همدیگر چاشت و نهار می‌خوردند، آن‌ها در صحبت‌های عادی روزانه‌شان به همدیگر می‌گفتند که در کشور هر کدام چه جنس‌هایی (مایحتاج‌های اساسی) وجود دارد که در آن یکی کشور دیگر وجود ندارد. آن‌ها چند روز بعدش کالاهای مورد نیاز را برای همدیگر می‌بردند و افراد آن را بر الاغ‌هایشان می‌گذاشتند و به خانه می‌بردند و غالباً برای مصارف شخصی چند ماه خودشان بود. اگر زمانی این کالاها سود اقتصادی داشت این ارتباط قالب گسترده‌تر و حجم زیادتری می‌یافت و این‌گونه بود که به تدریج مرزها [تجارت مرزی] در نقاط گوناگون جغرافیایی منطقه مرزی مریوان شکل گرفتند». این‌گونه است که ویژگی نزدیکی روستاهای نوار مرزی دو طرف باعث شد که افراد این نوار مرزی از مرکز کشورشان تا حدودی مستقل باشند و به‌جای تجارت با مرکز کشور، مسافت‌های نزدیک ولو در آن طرف یک مرز سیاسی را ترجیح دهند.

بعد فاصله زیاد مرکز از مرزها به مثابه عاملی بوده است که بطور غیر مستقیم از طریق عدم امکان نظارت‌های سفت و سخت از جانب قدرت مرکزی بر مسئولین ناظر بر ورود و خروج کالا و ارتباطات مرزی در منطقه، به‌نوعی باعث تسریع هرچه بیشتر روند ظهور تجارت مرزی در منطقه بوده است. در دوره حکومت پهلوی هر از چند

48. Askoll

49. Kani Kabood

50. Awrijgeh

51. Sar tap Sooren

باری یک نفر از مقامات مسئول از مرکز به منطقه کُردستان و شهرستان‌ها می‌آمده است؛ به خاطر عدم آگاهی اجتماعی - سیاسی مردم و بکر و ناشناخته بودن ساختار جغرافیایی و اجتماعی منطقه برای مسئولین و وجود ساختار اجتماعی فئودالی در منطقه، هر فرد سودجو و به نسبت فرصت طلبی که مقام مسئول مهمان را به خوبی تحویل گرفته و پذیرایی می‌نمود، می‌توانست نماینده تام‌الاختیار واسطه‌ای مرکز در منطقه باشد. "عثمان" در این باره می‌گفت که: «... مثلاً خانمی بود که از بالا می‌آمد اسمش بلوک خانم [احتمالاً ملوک خانم بوده باشد] بود که "عبدالکریم"^{۵۲} مهمانش کرده بود به بوقلمونی، او (ملوک خانم) هم گفته بود برو این ۱۴ روستا مال تو، از شان سرانه بگیر، اون موقع‌ها مردم فقیر بودند و سر و در نداشتند [چشم و گوش باز نکرده بودند] و فقیر بودند و پیشرفت نکرده بودند، ولی الان چی؟ الان مردم میگن من کجا و فرزند رفسنجانی [کنایه از اشخاص مهم ایران] کجا؟ اون موقع‌ها این‌ها نبود». به تدریج نماینده‌ها و مسئولین نظارتی مرکز در این نوار مرزی بیش‌تر شده اما همین ناظران خودشان بنابر دلایلی گوناگون (مثلاً فاصله دور منطقه محل خدمت با مراکز نظارتی بر آن‌ها) به تباری با قاچاق فروشان و تجار منطقه اقدام کرده و مسیرهای ممنوعه را باز کرده و قاچاق کالا صورت گرفته است. "کریم" می‌گوید: «صاحبان بارها و قاچاق فروشان اکثراً در بازرسی یا گردنه روستای "کولان"^{۵۳} (در ۳ کیلومتری شهر مریوان و ۱ کیلومتری دریاچه زریبار) باج مقرر را به مأموران وقت می‌دادند و مسیر را بنوعی می‌خریدند و بارهای-شان را با قاطر و یابو یا با کول (پُشت) عبور می‌دادند». مسئله باج و رشوه به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی در بیشتر سازمان‌ها و نهادها به انحاء گوناگون ممکن است، اما در نوار مرزی بویژه در گلوگاه‌ها و نقاط بازرسی بیشتر امکان دارد. در شهرستان مرزی مریوان این مسئله بسیار شایع است و پیامدهای سیاسی، اخلاقی، فرهنگی متفاوتی بدنبال داشته، اما از سال ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ به بعد که در نقاط مبادلاتی مرزی دوربین‌های مدار بسته نصب شده، این موضوع تا حدودی زیاد کاهش و تغییر یافته است.

"سوران" این بحث را این‌گونه اشاره می‌کند: «باج و رشوه هم زمانی گرفته می‌شد که مثل آلان به شدت کنترل نمی‌شد. آلان میگن که دوربین گذاشته‌اند قدیم اگر فقط خود رئیس پاسگاه‌ها خودشان و ۵ یا ۶ نفری بودند که پولی می‌گرفتند و اجازه می‌دادند برویی. ولی آلان نمی‌گذارند به مرز بروی (قاچاقچی). چون که می‌گویند از بالاتر (مرکز) کنترل می‌شه و دوربین مدار بسته است و به مرکز وصل است... بنظرم این قاچاق را باید اداره گمرک کنترلش کند و می‌تواند. نیروی انتظامی اگر بهش دستور بدهند مرز را باز کند مرز یکباره خالی و باز می‌شود و اگر بهش بگویند کنترلش کن خوب کنترلش می‌کند، و حالا هم آنقدر خوب کنترلش کرده است که فکر نمی‌کنم حتی یک گرم قاچاق بتونه از اونجاها وارد بشود».

علاوه بر این موارد که به‌طور مداوم به بازتولید اقتصاد ناسالم در منطقه و کشور انجامیده است، ساختار اجتماعی و سیاسی منطقه هم از گذشته به‌گونه‌ای است که مرزها توسط افرادی یا گروه‌هایی ذینفع باز و بسته یا کنترل می‌گشتند. در سطح افراد در منطقه همیشه عده‌ای در هر مرزی وجود داشته‌اند که بنا بر اتکاء به نوعی قدرت‌های عشیره‌ای یا سیاسی آن مرز را زیر نفوذ داشته و هدایت می‌کرده‌اند. در سطح گروه‌ها هم گروه‌هایی

^{۵۲} . فردی از اهالی بخش خاومیرآباد شهرستان مریوان

همانند: "آمنیه"^{۵۴}، "چریک فدایی"، "گروه‌های کمیته"، "خبات"، "دمکرات"، "کومله"، "استخبارات (در عراق)" و غیره در دوره‌های گوناگونی بر مبادلات و ارتباطات مرزی از لحاظ زمانی، مکانی، تنوع، حجم مبادلات و از این قبیل موارد نفوذ داشته و بنوعی بر آن حکومت می‌کرده‌اند.

بستر اکولوژیکی منطقه مریوان به‌خاطر کوهستانی بودنش و وجود کوه‌ها و ارتفاعات زیاد و دشت‌های هر چند حاصلخیز اما بسیار اندک، بطور غیرمستقیم به‌گونه‌ای مکمل تأثیر رشد زیاد جمعیت در منطقه و پایین بودن سطح بهداشت باروری و تنظیم خانواده، کشاورزی ناکارآمد و تا حدودی سنتی، و عدم حمایت‌های تسهیلاتی و تکنولوژیکی دولت از منطقه را تشدید نموده است تا مردم هرچه بیشتر مجبور به انتخاب گزینه تجارت مرزی گردند. این ویژگی اکولوژیکی منطقه به‌عنوان یکی از مقوله‌های برساخته شدن تجارت مرزی در شهرستان مریوان در سخنان "محمد" این‌گونه خود را نشان می‌دهد: «بنظر من مریوان موقعیت جغرافیایی بگونه‌ای است که منطقه‌ای است با کوه‌های بسیار زیاد و دشت‌های کم، دشت "بیلو"^{۵۵} یا دشت "مریوان" فقط نامی است خالی و بس، و فقط جنبه‌ای تفریحی دارد و جوابگوی این همه جمعیتی که در این شهر تنیده و تلنبار شده، نیست».

مسئله جغرافیایی منطقه و مشکل دشت‌های قابل کشت کشاورزی که از علل گرایش به مرز و تجارت مرزی در میان مرزنشینان منطقه عنوان شده است را در سخنان "سوران" به سهولت می‌توان این‌گونه دید: «از نظر کشاورزی الان در نظر بگیر، فلان خانواده با ۶ - ۷ نفر جمعیت و چند هزار متر زمین، اگر قرار باشد کشاورزی کنند، باور کن که هر نفرشان در ماه ۵ هزار تومان کاسب نخواهند شد؛ یا نه اصلاً پدر من زمانی تنها خودش بوده ولی اکنون من و ۳ تا دختر و ۴ تا پسر دیگر هستیم، پس به صرفه نیست که همه‌مان بشینیم کنار زمین‌ها و کشاورزی کنیم».

رابطه تجارت مرزی و کشاورزی در منطقه به جز روابط رسمی بازارچه باشماق که آن‌هم کسانی که دارای کارت بازرگانی و پله‌وری هستند را شامل می‌شود، مابقی به‌گونه‌ای مکمل هستند. به‌عبارتی به‌خاطر فصلی بودن کشاورزی ناکارآمد منطقه، کشاورزان به‌ویژه متأهلین که همانند جوانان مجرد به شهرهای اطراف برای کارگری سفر نمی‌کنند در ایام بیکاری و شب‌ها به کولبری و یا با آلاخ و قاطر به قاچاق‌فروشی و جابجایی بارها اقدام می‌کنند، درآمد حاصله از قاچاق‌فروشی به دلیل درآمد زیادترش در نسبت با کشاورزی، به تدریج این جنبه از زندگی و اقتصاد کشاورزان و مردم منطقه را ناکارآمدتر نموده است، زیرا از ادوات کشاورزی (تراکتور و ماشین باری) و نیروی انسانی جوان روستاها، برای اشتغال کاذب و قاچاق‌فروشی استفاده می‌شود.

– قرابت خویشاوندی و بین فرهنگی

^{۵۴} . نیروهای نظامی امنیتی دوره‌ی پهلوی در استان کردستان

بر اساس یافته‌های تحقیق، مقوله قرابت خویشاوندی و بین فرهنگی به مثابه عاملی مهم در ظهور تجارت مرزی در منطقه‌ی مریوان عمل کرده است. بنابر عامل نزدیکی جغرافیای سکونت، فرهنگی، زبانی، مذهبی و قومیتی و همچنین قرابت‌های شغلی و معیشتی و ساختار اجتماعی، مردم روستاهای اطراف به برقراری روابط خویشاوندی و عمل ازدواج‌های برون روستایی اقدام نموده و با شکل‌گیری شبکه‌های خویشاوندی گسترده در منطقه، به تدریج در هنگام کمیابی‌های محصولات و کالاهای مورد نیاز روابط اقتصادی بینامرزی در میان خانواده‌ها احتمال و شدت بیشتری داشته است. علاوه بر بُعد تجاری ارتباط خویشاوندان دو طرف مرز، ارتباط‌های عاطفی - فامیلی آن‌ها به گونه‌ای است که چیزی به نام عدم امکان ارتباط فامیلی بینا مرزی متفی است. "حسین" این مسئله را این گونه شرح می‌دهد: «مردم این طرف مرز با آن طرف مرز روابط خویشاوندی داشتند، آن‌ها آمد و شد و معاشرت داشتند، دقیقاً مثل این‌که الان من از شهر مریوان بروم روستا، خانه‌ی برادرم». "صلاح" نیز می‌گوید که: «افراد نواحی مرز همگی قوم و فامیل یکدیگراند و حتی اگر مرزی (روابط رسمی مرزی) هم نباشد مردم چه بخواهی چه نخواهی معاشرت و ارتباط خواهند داشت؛ ولو اگر بصورت قاچاق هم باشد، پس بهتر این است که یک مرز رسمی وجود داشته باشد».

قرابت‌های خویشاوندی و فرهنگی صرفاً پدیده‌ای نیست که در حال گسترش تدریجی باشد و به ندرت عادی و کهنه گردد؛ این روابط در زمان جنگ‌های داخلی عراق و انتفاضه کردها، انفال کردهای عراق، آواره شدن کردها در زمان جنگ ایران و عراق؛ به کرات تولید و از نو بازتولید یا تازه و تشدید شده است. کارکرد اقتصادی یا بهره‌گیری اقتصادی از این شبکه قرابت‌های خویشاوندی و فرهنگی در هنگام سرنگونی حکومت صدام حسین و شدت یافتن سطح گسترده‌ای از مبادلات تجاری همچون آهن قراضه‌ها و دستگاه و ادوات مکانیکی و ماشین سنگین و احشام و غیره به گونه‌ای ملموس خودش را نشان داده و بازنمایی کرده است. این روابط فامیلی و خویشاوندی در حالت رسمی نیز در قالب شرکت‌های ترخیص کالا و صادرات و واردات در دو طرف مرز با همدیگر همکاری دارند و سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد و اطمینان خویشاوندان به سرمایه‌های اقتصادی تبدیل می‌گردد. امروزه، قرابت‌های خویشاوندی و فرهنگی با کمک تکنولوژی ارتباطی تلفن، بصورت مجازی بیش‌تر گشته و تداوم دارد و به‌نوعی امکان خبررسانی و برقراری ارتباطات دید و بازدیدی و تجارتی را در میان خویشاوندان دو طرف مرز بیش‌تر می‌کند. مناسبات خویشاوندی، تجاری و تماس‌های تلفنی خارجه، آمار مسافران بینامرزی در مریوان همه نمادهایی ویژه از وجود شرایط ویژه در منطقه هستند.

– تنگناهای اقتصادی و معیشتی

یافته‌های این تحقیق به گونه‌ای است که می‌توان از آن‌ها مقوله اهمیت و کارکرد اقتصادی مرز را به مثابه یکی از علل عمده ظهور تجارت مرزی استنباط و استخراج کرد. به عبارتی فقر و فشارهای اقتصادی در زندگی مردم عاملی است که مردم را به گرایش به تجارت مرزی ناچار ساخته است و برای آنان تجارت مرزی در اشکال رسمی و غیررسمی اش به عنوان یک شیوه معیشتی و منبع درآمد مردم منطقه عمل نموده است. درک پاسخ‌گویان از جنبه اقتصادی ظهور مرز و معانی‌ای که آنان بدین بُعد از مجاری و علل ظهور تجارت مرزی در مریوان می‌دهند به گونه‌-

ای است که می‌توان اهمیت بُعد اقتصادی را در دو سطح خُرد و کلان تقسیم کرد: در سطح خُرد مجموعه کالاها و نیازهای معیشتی و ضروری زندگی مردم زمینه‌ساز و محرک آن‌ها جهت برقراری مبادله میان مرزی برای رفع این مایحتاج‌ها بوده. در سطح کلان نیز مجموعه تصمیم‌گیری‌ها و حساب‌گری‌های سیاسی و اقتصادی‌ای بارز می‌گردند که دولت‌ها بنابر منافع و مصالح ملی، در قالب سیاست‌گذاری‌های خاص آن‌ها را دنبال نموده و به مهیا نمودن بسترهای ظهور تجارت مرزی و سامان‌مند کردن نوع، میزان و حجم مبادلات بگونه‌ای قانونی و انجام تدابیر اجرایی و حفاظتی، به این پدیده (تجارت مرزی) در منطقه کمک نموده است. عامل اقتصادی در سطح کلان مجموعه سیاست‌گذاری‌های دولتی است که بنابر مسایل امنیتی و اقتصادی، اجتماعی در منطقه آن‌ها را پیاده می‌نماید. در سطح کلان این فعالیت‌ها، قدرت‌های سیاسی حاکم به دنبال ارتقای جایگاه اقتصادی و به تبع آن جایگاه سیاسی کشورشان در منطقه و جهان هستند. بر این اساس کشورها سعی می‌کنند روابط اقتصادی گسترده، نمایشگاه‌های خارجی، قرارداد و تفاهم‌نامه‌های گوناگونی با همدیگر داشته باشند و هدف عمده این همکاری‌ها ارتقای وضعیت اقتصادی و سودآوری برای کشور است. این عامل به نوعی با مقوله سیاست‌گذاری‌های دولتی برای امور داخلی و خارجی اقتصاد کشور قرابت دارد.

نیازهای ابتدایی زیستی مردم از قبیل خوراک، پوشاک و وسایل ساده ولی در عین حال ضروری برای یک زندگی سخت و محقرانه در منطقه، علاوه بر بلایای طبیعی گرما و سرما و آفت‌های محصول کشاورزی و دامداری هر از چند باری به تأثر از دگرگونی‌های سیاسی قدرت‌های همسایه دستخوش تغییر می‌شده است. در هنگام جنگ عراق و کویت یا جنگ ایران و عراق و یا جنگ صدام و آمریکا (۲۰۰۳) این قبیل نیازها و نوع کالاهای مورد نیاز تفاوت داشته‌اند. عمده کالاهایی که در این منطقه مبادله می‌شده‌اند عبارت بوده‌اند از کالاهای خوراکی (آرد، برنج، چایی، قند، روغن، خرما، ماکارونی، نوشابه و غیره)، پوشاک (پارچه و لباس و کفش و غیره)، سوخت (نفت، گاز، بنزین و غیره)، تکمیلی و جانبی (سیگار، پپ، تیغ اصلاح، چراغ، لامپ، عطر و آرایشی، صوتی تصویری، وسایل آشپزخانه و غیره) و...

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، رشد تدریجی مرز در مراحل اولیه‌اش مبتنی بر مبادلات اندک و در سطح نیازهای معیشتی مردم منطقه بوده است که در بطن روابط خویشاوندی و کالای مردم شکل گرفته و بسط یافته است. به دلیل این که بُعد اقتصادی مشکلات ناشی از کشاورزی سنتی و کارآمد در منطقه و عدم حمایت‌های تسهیلاتی و مالی دولت و مشکلات عدیده "منظومه اقتصاد ناسالم" در منطقه و میل به انباشت سود مبادلات در سطح عمده و انبوه و مواردی از این قبیل برطرف گردند پس "پدیده تجارت مرزی به مثابه فعالیتی مکمل"^{۵۶} از جانب کشاورزان و دامداران مورد استقبال مردم منطقه واقع گشته است و بنابر ضرورت‌های تاریخی، سیاسی، زمانی و مکانی گوناگون به شکل کنونی خودش درآمده است. منظور از "منظومه اقتصاد ناسالم"، مجموعه مشکلات ناشی از گران بودن جنس‌های ساخت داخل در مرزهای منطقه مرزی کل کشور بویژه در مرز مریوان، کیفیت پایین کالاهای ساخت داخل در منطقه مرزی، کمیابی و عدم دسترسی به موقع و دایمی ساکنین نوار مرزی به کالاهای

ساخت داخل، توزیع ناعادلانه یا "تبعیض توزیعی"⁵⁷ کالاها در نوار مرزی، که خودش یکی از پیامدهای نگاه امنیتی مرکز به پیرامون است.

"منظومه بیکاری" از محرک‌های اصلی گرایش مردم به تجارت مرزی بویژه گرایش به قالب غیررسمی آن یا همان قاچاق بوده است. این منظومه ماحصل رابطه شبکه‌ای و بعضاً زنجیروار مجموعه چند علیتی گوناگونی است. از طرفی شرایط جغرافیایی منطقه به کشاورزی ناکارآمد بیشتر قوت می‌بخشد، شیوه‌های سنتی تولید در منطقه به - خاطر عدم حمایت‌های مالی و تسهیلاتی از جانب دولت مرکزی همچنان ادامه می‌یابند. اختلافات زبانی، قومی، مذهبی باعث دامن‌زدن به نگاه امنیتی مرکز به منطقه شده و تبعیض توزیع فرصت‌ها و امکانات را تعمیق نموده که آن‌هم بنوبه خود، عدم حمایت‌ها را از بخش‌های اشتغال کشاورزی، صنعت، خدماتی، اقتصادی، بهداشتی و غیره را بدنبال داشته است. نتیجه این‌ها ازدیاد جمعیت، عدم رشد دانش تکنولوژیک، عدم رشد رفاه، عدم وجود کارگاه یا کارخانه‌های متناسب و ضروری، یا به عبارتی افزایش مقوله بیکاری در منطقه است؛ بدین علت بیکاری از عوامل اساسی تأثیرگذار بر گرایش مردم به تجارت مرزی بویژه در قالب مجموعه روابط غیررسمی تجارت مرزی است و مردم بنابر تنگناها و فشارهای منظومه بیکاری مجبور به انتخاب گزینه تجارت مرزی برای امرار معاش گشته‌اند و اگر "گزینه‌های جانشین برای امرار معاش در منطقه" مهیا می‌بود شاید وسعت و شدت مقوله تجارت مرزی و ابعاد گوناگون آن و تأثیراتش چندان شایع نمی‌بود. "محمد" راجع به همین بحث این‌طور نظر داده است: «همیشه در مسئله مرز قاچاق عده‌ای موفق و عده‌ای ناموفق، عده‌ای برنده و عده‌ای بازنده خواهند شد؛ من بنابر تجربه شخصی خودم و بالمشخصه خودم دید و ذهنیتی منفی نسبت به مرز دارم و شغلی خیلی کاذب است. اگر در موقعیتی مثل موقعیت شهر مریوان نمی‌بودم و اگر از روی ناچاری نباشد، هیچ‌وقت این را قبول نمی‌کردم و اصلاً انتخاب نکردن گزینه مرز خیلی بهتر از انتخاب کردنش است».

منظور از "گزینه‌های جانشین" برای امرار معاش این است که مردم منطقه به مجموعه فرصت‌های اشتغال و کارهای صنعتی، کشاورزی، خدماتی و غیره با توجه به میزان و رشد جمعیت سالانه منطقه دسترسی داشته باشند و مجبور به سفر به شهرهای دیگر برای پیدا کردن کار و کارگری (اغلب کارگری فصلی) ریسک سرمایه، جان، سلامتی، عمر و استعداد خود در امر تجارت مرزی برای گذران زندگی نباشند. نبود کارگاه و کارخانه‌های مهم و اشتغال‌زا در شهرستان، عدم حمایت‌های گسترده تسهیلاتی و مالی دولت از بخش خصوصی، عدم سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های توریسم و خدماتی و رفاهی و کشاورزی و صنعت، به منظور اشتغال‌زایی و رفع معطل بیکاری در منطقه و غیره از جمله مواردی هستند که می‌توان با تقویت آن‌ها به‌عنوان گزینه‌های جانشین تجارت مرزی، بر مسایل بیکاری، قاچاق، بزهکاری‌ها تولیدات بخش داخلی و تجارت بین مرزی و غیره تأثیرگذار واقع شد. "سیروان" این مسائل را این‌گونه اشاره نمود «... بیکاری، نبود کار و اشتغال یا چیزی که افراد به آن مشغول شوند و یا چیزی مثل سودی که گیر افراد بیفتد از کارگری و یا از کار کشاورزی، به نسبت درآمد تجارت مرزی معمولاً کمتر است، پس ...». "سالار" نیز می‌گوید که: «دلیل اصلی‌اش [ظهور تجارت مرزی] بیکاری در منطقه است و در منطقه هیچ کارخانه یا کارگاهی وجود ندارد پس افراد مجبوراند به مرز بروند». "هیوا" نیز می‌گوید: «در مریوان هیچ

57. Distributional Prejudice

منبع درآمدی نیست و هیچ کارخانه‌ای نیست... کشاورزی منطقه به‌گونه‌ای است که کشاورز فقط ۳ تا ۴ ماه کار ضروری دارد و بقیه‌اش بیکار است و نمی‌داند بیکاری‌اش را چه کند پس به قاچاق و مرز می‌گردد...».

– سیاست‌های راهبردی واکنشی حکومتی

قدرت‌های حاکم در دوره‌های گوناگون در راستای تغییرات سیاسی و اقتصادی در منطقه، برای خرده‌نظام‌های جامعه تمهیدات و دستورالعمل‌های اجرایی متفاوتی را پیش‌بینی و استفاده می‌نمایند. این تمهیدات به مثابه سیاست‌های قدرت مرکزی در وهله اول با محوریت صلابت قدرت مرکزی و سپس تداوم و گسترش دستگاه‌ها و آرمان‌های حکومت است. بنابراین در قدرت‌های حداکثری و مرکزمدار، نهاد سیاست بر دیگر خرده‌نظام‌های جامعه سنگینی می‌کند. نهاد اقتصاد و بُعد تجارت مرزی در ایران نیز از جمله این نهادهایی بوده است که در دوره‌های متفاوت قدرت‌های حاکم در کشور از این قضیه مستثنی نبوده است. در زمان حکومت پهلوی در شهرستان میوان نظارت بر امور و ارتباطات مرزی توسط "آمنیه"های چند پاسگاه محدود در شهرستان و با همکاری اداره گمرک این شهرستان صورت می‌گرفته است و کالاهای ضبط شده، در گمرک ثبت می‌شده‌اند. البته علاوه بر مسامحه‌های مأمورین پدیده رشوه و فساد اقتصادی در آن دوره نیز وجود داشته است. "علی" این بحث را در جریان خاطره‌ای این‌گونه اشاره نمود: «... در آن زمان چایی و برنج و قند وارد می‌شد، و در مرز و توی راه نیز این‌ها را زیاد بازدید نمی‌کردند، مگر اینکه اتفاقی مأمورهای امنیه و پاسگاه یک بار را می‌گرفتند و آن را هم برای خودشان می‌خواستند و تحویل دولت نمی‌دادند».

در زمان جنگ عراق با کویت بنابر امکان و فرصت‌های مبادلاتی و تجاری پیش آمده برای دولت ایران و ضرورت‌های اقتصادی دولت عراق، مبادلات مرزی به گونه‌ای تقریباً ملموس‌تر جریان یافت تا این‌که نهایتاً در سال‌های ۱۳۷۳ بازارچه مرزی در میوان رسماً دایر گشت و در سال ۱۳۸۸ شکل رسمی و قانونی به خود گرفت. عمل قانونمند کردن مبادلات از جنبه امنیتی و سیاسی به دولت این امکان را داده است تا ارتباطات انسانی مردم را نیز در منطقه کنترل نماید. علاوه بر ازدیاد کنترل امنیتی بر منطقه، مبادلات اقتصادی قانونی و رسمی از این منطقه مرزی به لحاظ سودآوری‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی در منطقه و بسترسازی برای ایجاد کارگاه‌های کوچک در منطقه و مهیا نمودن بسترهای مناسب جهت ایجاد و تداوم همکاری‌های صادراتی و وارداتی از این مرزها مفید بوده است. یکی از سیاست‌گذارهای دولت در قبال مرزها و مرزنشینان که در راستای قانونمند کردن مبادلات اقتصادی و کاهش بُعد غیررسمی این مبادلات به‌ویژه پدیده قاچاق از طریق روستاها که در قالب قاچاق با کول (کولبری)، با آلاغ و یا با استفاده از ماشین‌های لندکروز^{۵۸} اف^۳ و اف^۴ (که در منطقه به پانکی^{۵۹} و شله‌خه‌جی^{۶۰} مشهوراند) جریان داشت، عبارتست از: ایجاد "بازارچه‌های موقت مرزی".

⁵⁸. Land Crosser 4WD

⁵⁹. Panki

⁶⁰. Shle Khaje

در حال حاضر دو بازارچه موقت مرزی در روستاهای "دهره‌وه‌ران"⁶¹ و "پیران"⁶² دایر گشته است. این بازارچه‌ها ویژه روستاییان منطقه مرزی است که بنام سرپرست خانوارها کارت‌های ترددی صادر شده و هر کدام با آن کارت‌های ویژه و تفکیک شده در دو حالت فرد و زوج، در روزهای بخصوصی می‌توانند روزانه به میزان معینی (هر کارت روزانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلوگرم) از طریق بازارچه موقت مرزی در محدوده روستای خویش، اقدام به واردات کالای غیرقاچاق نمایند. این کالاها لزوماً قرار نیست که در تملک دارندگان کارت‌ها باشد، بدین خاطر سود عمده این کارها نیز عاید سرمایه‌داران یا صاحبان اجناس و بارها می‌گردد که در سطحی انبوه و بین‌المللی مشغولند و کالاها را از کشورهای چین، کره و دبی به داخل عراق که گمرک خیلی اندکی می‌شود، وارد کرده و با دادن کرایه حمل (هر بار ۱۵۰ کیلوگرمی، حدود ۲۵ تا ۷۰ هزار تومان متغیر است) آن‌ها را از طریق این مرزها وارد می‌کنند. "ایوب" راجع به نقش و جریان کالا در این بازارچه‌های موقت می‌گوید: «الان [دولت] همه راه‌های قاچاق قدیمی را جمع کرده و در روستاهای مرزی بازارچه موقت هر کالایی را که خودش مایل باشد و دستور بدهد، اجازه‌ی ورود و خروج دارند و باور نمی‌کنم اگر الان یک گرم قاچاق بتواند از اونجاها وارد بشود. واگر از بازارچه‌های اسکول/پیران و «دهره‌وه‌ران» نباشد هیچ کالایی نمی‌تواند وارد شود. خوب مرزهای موقت "اسکول" و "دهره‌وه‌ران" هم به میل خودشان به چیزهایی غیربرقی اجازه‌ی ورود می‌دهند و وسایل غیربرقی هم نه همه چیز! مثلاً پارچه را اجازه نمی‌دهند».

این‌گونه سیاست‌گذاری‌ها در راستای قانونی کردن ارتباطات و کاهش مشکلات ناشی از پدیده قاچاق و ارتباطات غیررسمی در دیدگاه‌های مدرنیزاسیون و توسعه امری منطقی است. اما چگونگی اجرای این طرح‌ها به گونه‌ای است که خود به ظهور مشکلاتی دیگر از جمله نارضایتی مردم از مسئولین اجرایی و برنامه‌ریزی و مدیریتی آن انجامیده است. "حسین" با گلایه‌های همه‌گیرش این موضوع را این‌طور بیان می‌نماید: «تا سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ کسی از پيله‌وری و تجارت رسمی خبری نداشت و همه کولبر بودند، مثل آلان که برای کارت مرزی داد و بیداد میشه اون موقع‌ها هم ناچار پيله‌وری را برپا کردند ولی گفتند چون که همه مردم ثروتمند و سرمایه‌دار نیستند پس بهتر است برای فقرا و روستایی‌ها هم مرزی باز کنیم. این هم از مرز موقتی که برای فقرا باز کرده‌اند (با کنایه!) برای عده‌ای هست و عده‌ای دیگر هیچ! علتش هم این است که حکومت [منظور دستگاه‌های اجرایی در منطقه است!] با مردم صادق نیست و یک سال اومده چهار روستا را ثبت نام کرده [برای کارت سبز مرزی]، سال بعدش هم سه روستای دیگر. فلانی از فلان روستا دو سال است کارت دارد و کول می‌برد و درآمد دارد ولی روستای بغل دستی‌اش را تازه آلان دارند برای دو سال دیگه ثبت نام می‌کنند. خوب تا دو سال دیگر که کارت صادر بشه هزار اتفاق می‌افتد و کسی چیزی نمی‌داند. این‌ها [مسئولین] نیامده‌اند یکباره همه روستاهای مرزی را ثبت نام کنند و به همه کارت بدهند».

با توجه به گفته‌های زیاد مشابه با این نقل قول‌ها در یافته‌های گردآوری شده و مشاهدات محقق می‌توان عدم شفافیت، سردرگمی و ابهامی را تصور کرد که مردم منطقه در قبال برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری و تصمیمات دولت و مسئولین برای این منطقه، احساس می‌کنند. بدین معنا تمام تدابیری که برای منطقه اتخاذ می‌گردند در نزد

61. Darawaran

62. Piran

مردم اغلب دارای آتیه‌ای نامعلوم و مبهم‌اند و مردم به‌طور قطع به آن‌ها آگاهی و اعتماد ندارند و سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی بر آن‌ها انجام نمی‌دهند. اختلاط کارکردی نهادهای درگیر در منطقه مرزی از قبیل نهادهای گمرک، بازرگانی، فرمانداری، نیروی انتظامی، حمل و نقل، شهرداری، راه و ترابری، دهیاری، بخشداری، کالا قاچاق و غیره، توأم با سیاست‌گذاری‌های خارجی دولت و اوضاع منطقه، این ابهام را بیش‌تر برای مردم منطقه قطعیت می‌بخشد. عدم برنامه‌ریزی‌های کارشناسانه و بسترمند⁶³ و بومی‌شده⁶⁴ به ظهور مشکلات اجتماعی جدید و بیش‌تر در منطقه دامن می‌زند. تصمیم‌گیری‌های مرکزمدار برای نواحی مرزی پیش‌بینی ناپذیری اتفاقات آینده در مرز را برای مردم بیشتر به یقین نزدیک می‌کند. از جمله موارد انضمامی و قابل بیان در خصوص این عدم شفافیت در سیاست‌گذاری‌های دولتی و وجود "ذهنیت ابهام فردا"⁶⁵ عبارتند از: عدم شفافیت یا برنامه مدون در خصوص نوع و میزان کالاهای قابل صدور یا ورود در مرزهای رسمی و بازارچه‌های موقت برای یک دوره کوتاه (مثلاً دو ماهه و بیش‌تر) و عدم شفافیت در خصوص علت تفاوت در سخت‌گیری یا آسان‌کاری در بعضی ایست و بازرسی‌های مسیرهای بین شهری در شهرهای گوناگون استان. مثلاً آسان‌کاری و اغماض و مسامحه در عبور یک نوع کالای خاص در مسیر بین شهری بانه- سنندج و در عوض سخت‌گیری در عبور همان کالا از مسیر مریوان - سنندج توسط گلوگاه مرزی سروآباد⁶⁶ و گشت بین‌راهی؛ و بسیاری دیگر از این قبیل موارد.

نتیجه‌گیری

نتیجه نهایی این پژوهش نشان دهنده این است که پدیده تجارت مرزی پاسخ، واکنش و راهبردی گریزناپذیر از جانب مردم منطقه به شرایط توسعه‌نیافته منطقه در همه سطوح «جغرافیایی» (از قبیل جغرافیای موقعیتی، زیستی، ارتباطی، جمعیتی، قومیتی و فرهنگی)، «اقتصادی»، «سیاسی» و «وضعیت خویشاوندی و قرابت‌های بین فرهنگی» حاکم بر منطقه است؛ بدین معنا که بازسازی معنایی انجام شده از درک و تفسیر مردم منطقه از علل و مجاری ظهور پدیده تجارت مرزی در دو قالب رسمی و غیررسمی به‌گونه‌ای است که مردم وضعیت‌های نامساعد معیشتی و زیستی حاکم بر منطقه مرزی و حتی وضعیت حاکم بر اقتصاد دو کشور عراق و ایران را از جمله علل ظهور تجارت مرزی می‌دانند. آن‌ها همچنین بر این باورند که سیاست‌های کشور در امور اقتصادی و سیاسی - اجتماعی به‌گونه‌ای است که بیانگر وضعیت توسعه نیافته‌ای در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، پس نیازمند اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای مفیدی برای منطقه بوده است و یا اگر این سیاست‌ها به‌خوبی انجام نمی‌گیرند، رها نمودن منطقه به حالت طبیعی خودش بهترین عمل است و مردم منطقه خودشان بهترین واکنش‌ها را به شرایط محیطی خودشان نشان خواهند داد. همچنین، مردم میدان مورد مطالعه استدلال می‌کنند که موقعیت جغرافیایی منطقه و سیاست‌های اتخاذ شده دو دولت مرکزی هم‌جوار (ایران و عراق) در قبال این منطقه مرزی در شهرستان مریوان و

⁶³. Contextual

⁶⁴. Localized

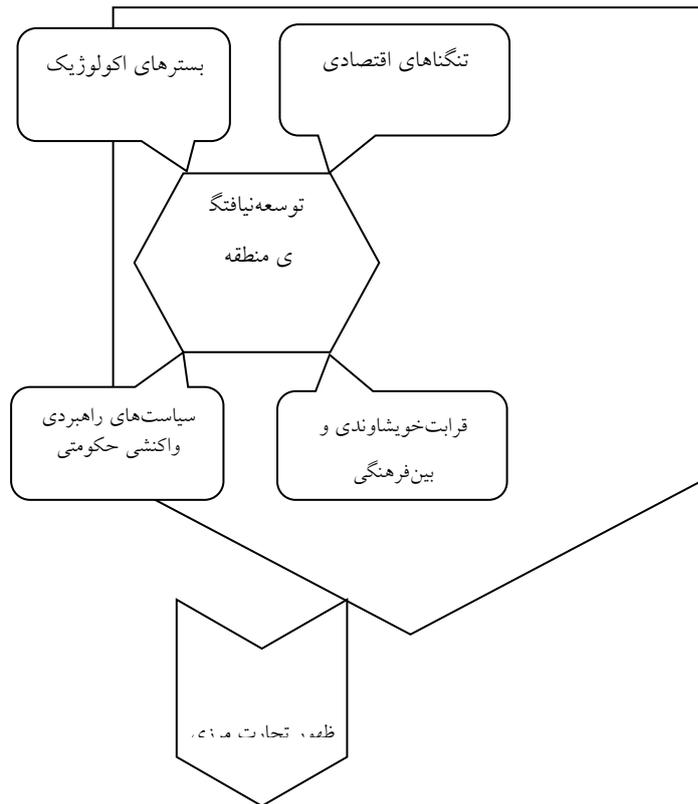
⁶⁵. The Future Ambiguity Subjective

⁶⁶. Sarw Abad

منطقه مرزی پینجوین در گُردستان عراق همیشه بگونه‌ای بوده است که بر این منطقه نگاهی امنیتی حاکم بوده است بنابراین به شیوه‌های گوناگون به وضعیت بیکاری در منطقه بیش‌تر از پیش دامن زده شده است. اینجاست که وجود بسترها و شبکه روابط خویشاوندی دیرینه در منطقه ویژگی و عنصر عاملیت یا کنشگری مردم منطقه را در راستای ایجاد پدیده تجارت مرزی مضاعف نموده است.

بر اساس این گفته‌ها و با توجه به پارادایم حاکم بر روند پژوهش حاضر می‌توان گفت که پدیده تجارت مرزی در حالت کنونی‌اش برساختی اجتماعی است و به مثابه امری تاریخی و بسترمند، نتیجه واکنش‌ها و تعاملات مردم منطقه به فرصت‌ها و محدودیت‌های وضعیت‌های جغرافیایی، اقتصادی، فامیلی - فرهنگی و سیاسی است. بیان عنوان "توسعه نیافتگی" منطقه به مثابه مقوله هسته‌ای که تمام مقولات کلی جغرافیایی منطقه، اقتصاد، فامیلی - فرهنگی و سیاست‌های قدرت مرکزی و اجرایی مسئولین در منطقه را شامل می‌شود بدین معنا نیست که بر اساس نظریه‌های مدرنیزاسیون و توسعه، وضعیت‌های جغرافیایی، اقتصادی، خویشاوندی و سیاسی منطقه مریوان با همین وضعیت‌ها در کشوری پیشرفته و جهان اولی قیاس شود. در این جا مقصود از توسعه یافتگی "وضعیت تحقق‌یافته متعادلی است که در نتیجه کوشش‌هایی در راستای رفع فشارها و مشکلات وارده بر بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی و انسانی تحقق یافته باشد.

مدل ۱- مدل زمینه‌ای پیدایش تجارت مرزی در شهرستان مریوان



بر اساس مقوله هسته این پژوهش (توسعه نیافتگی)، از یافته‌های تحقیق این گونه استنباط شده است که منطقه مرزی مریوان در همه وضعیت‌های جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی هنوز به آن وضعیت متعادل دست نیافته است. به عبارتی دیگر، تعاملات و تلاش‌های ساکنان این منطقه برای رفع فشارها و مشکلات وارده بر بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی و انسانی‌شان گزینه مرز و تجارت مرزی را پیش‌رویشان نهاده و بر ساخته است و مردم این منطقه یکی از راهکارهای اساسی‌شان برای رفع و برطرف نمودن حالت توسعه نیافتگی حاکم بر ابعاد گوناگون زندگی‌شان را گرایش و اقدام به تجارت مرزی و مؤلفه‌ها و مظاهر گوناگون آن انتخاب نموده‌اند. بیان عنوان توسعه نیافتگی به معنای نفی جود تغییر و رشد در این وضعیت‌ها در منطقه نیست، بلکه مسلماً در تمام زمینه‌ها و مفاهیمی که ذیل مقوله‌های کلی ما قرار می‌گیرند در هر بُره‌ای از تاریخ منطقه مریوان پیشرفت و بهبودهایی از لحاظ کمی و کیفی داشته است اما آنچه که بیش‌تر اهمیت دارد رشد کیفی، موزون، بستمند و مداوم این موارد است که بتواند رضایت خاطر مردم منطقه را فراهم نماید و جامعه به آن وضعیت متعادل تحقق یافته‌ای که ما در این جا و براساس یافته‌های تحقیق بر عدم تحقق آن تأکید داریم، نایل آید. در صورت عدم وجود این وضعیت‌ها، کنش‌گران با توجه به مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و فرصت‌های همه‌جانبه اطراف‌شان به اتخاذ راهکاری جدید جهت نزدیک شدن به آن وضعیت ایده‌آل متعادل که برساختی انتزاعی و بینادذهنی میان خودشان است، اقدام می‌نمایند. بر این اساس پدیده تجارت مرزی در مریوان از یک طرف به مثابه یک برساخت اجتماعی و امری اجتماعی و بستمند و تاریخی است اما از طرفی دیگر همین برساخت اجتماعی خودش به‌عنوان واقعییتی اجتماعی دارای جزمیت‌های ویژه‌ای نیز می‌شود که بر ابعاد متفاوت جامعه و زندگی ساکنان منطقه نیز تأثیرگذار می‌باشد.

بر اساس پارادایم حاکم بر تحقیق تمایزی میان امر مدرن و امر سنتی وجود ندارد و تصور تفکیک امر مدرن و امر سنتی یا تفکیک امر توسعه‌یافته و امر توسعه‌نیافته در قالب یک نظام ایده‌آل تایپ ویژه (مثلاً مدرنیزاسیون) منتفی است. در این رویکرد پدیده تجارت مرزی به مثابه روندی خطی⁶⁷ که قرار باشد از مسیر معین و ثابتی بگذرد و بر اساس الگویی خاص تکامل بیابد، دیده نمی‌شود. بلکه امری اجتماعی است که به گونه‌ای مارییچی⁶⁸ و در پاسخ به شرایط محیطی و تأثیرگذار بر آن روند تکامل مختص به خود را طی می‌نماید و نهایتاً شکل و قالب منحصر به فردی⁶⁹ خواهد داشت که لزوماً نایستی با پدیده‌های تجارت مرزی در مکان و زمان‌های دیگر قیاس گردد. در ذیل و پیرامون این پدیده (تجارت مرزی) مجموعه متفاوت و یگانه‌ای از کنش‌ها، واقعیت‌ها، خرده‌گروه‌ها، سبک‌های زندگی و پدیده‌های جدید شکل گرفته‌اند. ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه دگرگون شده‌اند. نظام ذهنیتی و رمزگان معنایی مردم تغییر یافته است. سبک و عناصر معماری و شهرسازی در منطقه دچار تحول شده و کلیشه‌های جنسیتی و ساختار خانواده‌ها رو به تغییرات ویژه‌ای نهاده است. صنعت توریسم و نظام تحصیلی و ارزش و اخلاق اجتماعی و دینی منطقه دگرگون گشته است. هر کدام از این نکات و بسیاری دیگر از این قبیل به مثابه مباحثی مهم و قابل بحث نیازمند بررسی‌های هرچند وقت‌گیر اما دقیق و موشکافانه‌اند که باید انجام گیرند.

نماد تجارت مرزی در منطقه مریوان تجسم عینی نگرش‌های مردم منطقه راجع به وضعیت توسعه‌نیافته و مشکلات عدیده وارده بر وضعیت‌های اکولوژیک، اقتصادی، خویشاوندی و سیاسی منطقه است. پدیده تجارت مرزی در منطقه مریوان همانند یک شکل نمادین، صورتی قراردادی دارد که در حالت تحقق وضعیت یافته‌ای که در آن وضعیت، عوامل عمده و بسترسازی که تجارت مرزی را باعث شده بودند، دیگر آن فشارها و محدودیت‌ها یا توسعه نیافتگی را نداشته باشند، پدیده تجارت مرزی هم از حالت کنونی خارج می‌گردد. بر اساس ویژگی زمینه‌دار بودن نیز پدیده تجارت مرزی امری اجتماعی و بسترمند است که در بسترهای توسعه نیافته جغرافیایی، اقتصادی و غیره برساخته شده و ظهور یافته است. بر این اساس می‌توان گفت، تجارت مرزی نمادی است که هرچند ریشه در روابط قومی دیرینه دارد ولی وضعیت ناتوسعه‌یافته منطقه به این پدیده دامن زده است و این نماد بازنگار ناتوسعه‌یافتگی منطقه است. تجارت مرزی در مریوان گرچه به معنای توسعه‌نیافتگی منطقه و در قالب یک نماد است اما خود همین پدیده در منطقه مریوان حامل فرهنگ منطقه خودش نیز هست و به مثابه یک مجموعه معابر و مدخل‌های اندیشه و تفهم برای کنش‌گران مرتبط با آن می‌باشد. از طریق همین مدخل‌های اندیشه است که فرهنگ مرزنشینی مختص منطقه مریوان فراهم گشته و در داخل همین منطقه و دیگر مناطق مرتبط با منطقه بر اساس ارزش‌های مختص آن ارتباط و مراوده صورت می‌گیرد.

منابع

- احمدی، خسرو. (۱۳۸۱)، بررسی تاثیر بازارچه‌های مرزی در اقتصاد استان بوشهر، پایان نامه کارشناسی

ارشد برنامه‌ریزی دانشگاه تهران.

67. Linear

68. Spiral

69. Unique

- اسماعیل زاده، خالد؛ سعیدی، علی اصغر؛ آزادمنش، شهرام. (۱۳۸۷)، جایگاه فعالیت‌های معیشتی در رفاه و امنیت اقتصادی - اجتماعی مناطق مرزی با تاکید بر فعالیت بازارچه‌های مرزی (نمونه مورد مطالعه: غرب کشور)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال چهارم، شماره پانزدهم.

- پیربوداقی، یوسف. (۱۳۷۹)، بررسی عملکرد بازارچه‌های مرزی سرو و نقش آن در رشد و توسعه اقتصاد منطقه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

- حسینی، سعید. (۱۳۸۹)، بازارچه‌ها تدبیری برای معیشت مرزنشینان کردستان، هفته نامه سیروان، شماره ۶۱۶ سال دوازدهم.

- رحمانی، جبار. (۱۳۸۳)، کلیفورد گیرتز: تفسیر فرهنگ، پایگاه اطلاع‌رسانی انسان‌شناسی و فرهنگ.
- زنگی آبادی، علی؛ شورش آهنگری.. (۱۳۸۹)، تحلیلی بر وضعیت و رویه‌های جاری بازارچه‌های مرزی استان کردستان. (سیرانبد بانه، باشماق مریوان، سیف سقز). مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها، نصیری حمزه . ۱۳۸۹. دانشگاه ایلام.

- سایت اینترنتی استانداری استان کردستان <http://www.ostan-kd.ir>

- سایت رسمی بازارچه های مرزی استان کردستان

<http://www.kd.bordermarket.gov.ir>

- سایت فرمانداری مریوان <http://www.Mariwan.org.ir>

- سایت همشهری آنلاین، ۹ تیر ماه (۱۳۸۸) شاخه: تجارت و بازرگانی

<http://neshangar.com>

- شومپتر، ژوزف. (۱۳۷۵)، تاریخ تحلیل اقتصادی، ترجمه: فریدون فاطمی، جلد اول، تهران، مرکز.
- صفرپور، فرشاد؛ مظفری، غلامعلی. (۱۳۸۹)، نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه‌ی فضایی شهرها (مطالعه موردی بازارچه‌ی مرزی سیرانبد بانه). مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها، نصیری حمزه . ۱۳۸۹. دانشگاه ایلام.

- عبدالله پور، جمال. (۱۳۸۴)، بررسی تجارت مرزی در روستاهای مرزنشین سردشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

- عبدی، عرفان. (۱۳۸۷)، ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی، بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: بازارچه شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه، فصلنامه ژئوپلیتیک؛ سال چهارم، شماره دوم.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نی .

- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶)، نگاهی به رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تأکید بر تفسیر او از پدیده دینی، نامه

علوم اجتماعی، شماره ۳۱.

- گمرک جمهوری اسلامی. (۱۳۷۸)، اهداف و وظایف بازارچه‌های مرزی و نقش گمرک، شماره ۳۵.

- محمدپور، احمد. (۱۳۸۸)، بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه‌ی نظریه زمینه‌ای: مطالعه موردی ایلات

منگور و گورک؛ فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۹.

- محمد پور، احمد. (۱۳۸۹)، *روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

- محمد پور، احمد. (۱۳۹۰)، *ضد روش: منطق و طرح در روش شناسی کیفی*. (جلد ۲)، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

- ملکی، سعید؛ نادری، کاوه؛ محمدی، شاکر. (۱۳۸۹)، نقش و تأثیر بازارچه‌های مرزی بر توسعه شهری (مطالعه‌ی موردی شهر جوانرود). *مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها*، نصیری حمزه . ۱۳۸۹. دانشگاه ایلام.

- ملکی صادقی، مریم. (۱۳۸۹)، *بازسازی معنایی زن در چهار فیلم سینمایی: سگ‌کشی، چهارشنبه سوری، به همین سادگی و کافه ترانزیت*، دانشگاه بوعلی‌سینا.

- میلر، پیتر. (۱۳۸۲)، *سوژه، استیلا و قدرت*، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

- نظری‌پور و معزی. (۱۳۸۹)، نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه و رونق اقتصادی مناطق مرزی (مطالعه موردی: بازارچه مرزی باشماق مریوان)، *مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها*، دانشگاه ایلام.

- Blaikie, Norman. (2007), **Approaches to Social Inquiry**, Second Edition: Polity Press. London.

- Turner, Brian. (2006), **The Cambridge Dictionary of Sociology**. Cambridge University Press.

- Fish, Stanly. (1980), **Is There a Text in This Class? The Authority of Interpretive Communities**, Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Flick, Uwe. (2006), **An Introduction to qualitative Research**, 3ed .Sage. London.

- Geertz, C. (1966), **Religion as a Cultural System**, in, Benton, M. (Ed), *Anthropological Approaches to The Study of Religion*: Tvistock Publications.

- Geertz, C. (1983), **Local Knowledge: Further Essays in Interpretive Anthropology**, New York: Basic Books.

- Geertz, C. (1973), **Of Cultures: Selected Essays**, New York, The Interpretation

- Glaser, Barney and Anselm Strauss. (1967), *Discovery of Grounded Theory*, Transaction Publishers.

- Glaser, Barney. (1998), **Doing Grounded Theory: Issues and Discussions**, Sociology Press.

- Marilyn Carr. (2001), **Globalization and the Informal Economy: How Global Trade And Investment Impact On The Working Poor**.

- Marvasti, Amir. (2004), **A Qualitative Research in Sociology: an introduction**. Sage Publication, London.

- Omar E. Garcia Bolivar. (2006), **Informal Economy: Is It a Problem, a Solution or Both?** The Perspective of the Informal Business, Berkeley Electronic Press.